با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام فارسی ۲ پایهٔ یازدهم

پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی، درک و دریافت و پرسش‌های کتاب

پایهٔ یازدهم · دورهٔ دوم متوسطه

شامل پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی (قلمرو زبانی، ادبی و فکری) و درک و دریافت روان‌خوانی‌ها و شعرخوانی‌ها

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست فصل‌ها

۱ فصل یکم — ادبیات تعلیمی ۴

۲ فصل دوم — ادبیات پایداری ۱۱

۳ فصل سوم — ادبیات غنایی ۱۸

۴ فصل چهارم — ادبیات سفر و زندگی ۲۵

۵ فصل پنجم — ادبیات انقلاب اسلامی ۳۲

۶ فصل ششم — ادبیات حماسی ۳۸

۷ فصل هفتم — ادبیات داستانی ۴۴

۸ فصل هشتم — ادبیات جهان ۵۰

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فارسی ۲ یازدهم - فصل یکم

ادبیات تعلیمی

فهرست

۱ صفحه ۱۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس یکم: نیکی ۵

۲ صفحه ۱۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس یکم: نیکی ۶

۳ صفحه ۱۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس یکم: نیکی ۷

۴ صفحه ۲۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس دوم: قاضی بُست ۸

۵ صفحه ۲۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس دوم: قاضی بُست ۸

۶ صفحه ۲۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس دوم: قاضی بُست ۹

۷ صفحه ۲۵ · درک و دریافت — شعرخوانی: زاغ و کبک ۱۰

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۱ صفحه ۱۴ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱) معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب / روز حاجت است، معیار دوستان (صائب)

صورتِ بی‌صورتِ بی‌حدِّ غیب / تافت بر موسی ز آینهٔ دل ز جیب (مولوی)

گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار / فخری که از وسیلتِ دون‌همّتی رسد (اوحدی)

۲) برای کاربرد هریک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

پیوندهای همپایه‌ساز:

پیوندهای وابسته‌ساز:

۳) معانی فعل «شد» را در سرودهٔ زیر بررسی کنید.

گریهٔ شام و سحر، شکر که ضایع نگشت / قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد / منزل حافظ کنون بارگه پادشاست (حافظ)

۴) معنای برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیرهٔ سخن قابل درک است. با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هر یک از واژه‌های مشخص‌شده دقیق‌تر می‌توان پی برد:

الف) قرار گرفتن واژه در جمله: «ماه، طولانی بود. ماه، تابناک بود.»

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمن و تناسب): «سیر و بیزار: ترادف؛ سیر و گرسنه: تضاد؛ سیر و پیاز: تناسب؛ سیر و گیاه: تضمن»

اکنون برای دریافت معانی واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دو روش بالا، نمونه‌های مناسب بنویسید.

1. **معیار:** محک، سنجه، وسیلهٔ سنجش و آزمودن؛ **غیب:** پنهان و نادیدنی (جهانی که از چشم ما پوشیده است)؛ **جیب:** گریبان، یقه؛ **دون:** پست، فرومایه؛ **عار:** ننگ و شرم. (بیت اوحدی: اگر به نام و آبرو اهمیت می‌دهی، از افتخاری که از راه پست‌همّتی به دست آید، ننگ داشته باش.)
2. **پیوندهای همپایه‌ساز** (دو واژه یا دو جمله را هم‌ارزش به هم می‌پیوندند): «و» در «ز بی‌دست و پایی»، «بی‌دست و پای»، «رگ و استخوان»، «مغز و پوست»؛ «نه ... نه» در «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست». **پیوندهای وابسته‌ساز** (جملهٔ پیرو را به جملهٔ پایه وابسته می‌کنند): «که» در «که چون زندگانی به سر می‌برد»، «که شیری درآمد»، «که روزی نخوردند پیلان به زور»؛ «چو» در «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش»؛ «تا» در «بخور تا توانی به بازوی خویش»؛ «گر» در «گر افتد چو روبه».

3. **شد (بیت اول: «گوهر یکدانه شد»):** «گردید، تبدیل شد» ← فعل اسنادی (پیوندی) است و به معنای دگرگون‌شدن و تبدیل‌شدن به کار رفته است. **شد (بیت دوم: «جان بر جانانه شد»):** «رفت» ← فعل غیراسنادی و به معنای رفتن است (به قرینهٔ مصراع پیش: «دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد» یعنی جان نیز نزد جانان رفت).

4. **دست:** الف) در جمله: «دستم را به او دادم.» (عضو بدن)؛ «این دست لباس را دوست دارم.» (مجموعه، دست لباس)؛ «او دست‌ودل‌باز است.» (بخشش). ب) رابطه‌های معنایی: ترادف: دست ≈ کف؛ تضاد: دست راست ≠ دست چپ؛ تناسب: دست و پا، دست و بازو، دست و انگشت؛ تضمن: دست و انگشت (انگشت جزئی از دست است). **تند:** الف) در جمله: «غذا تند بود.» (تیز و تندمزه)؛ «تند راه رفت.» (سریع)؛ «با من تند حرف زد.» (خشن و عصبانی). ب) رابطه‌های معنایی: ترادف: تند ≈ سریع؛ تضاد: تند ≠ کُند؛ تناسب: تند و تیز؛ تضمن: تند و فلفل (فلفل نمونه‌ای از چیز تند است).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۲ صفحه ۱۵ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱) از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۲) در بیت زیر، شاعر چگونه آرایهٔ جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست (سعدی)

۳) ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

۴) در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

1. «زنخدان فرو بردن به جیب»: کنایه از فروماندن، اندیشناک‌شدن و گوشه‌نشینی و دست‌روی‌دست‌گذاشتن (در انتظار روزی ماندن). «دست کسی را گرفتن» (بیت ۱۷): کنایه از یاری‌کردن و کمک‌کردن به او. (نمونهٔ دیگر: «گوش کردن بر فضلهٔ دیگران»: کنایه از چشم‌داشتن به دسترنج و باقی‌ماندهٔ غذای دیگران.)

2. شاعر واژهٔ «چنگ» را دو بار با **تلفظ و نوشتار یکسان** اما با دو معنای متفاوت آورده است: در «گوش بر چنگ» به معنای «ساز چنگ» (گوشم به آهنگ ساز است) و در «دل در چنگ نیست» به معنای «چنگ و اختیار» (دلم در اختیار من نیست). این دو واژه با هم جناس تام دارند.

3. «چه باشی چو روبه به وامانده سیر»: **مشبه:** تو (مخاطب)؛ **مشبه‌به:** روبه؛ **ادات تشبیه:** «چو»؛ **وجه شبه:** (محذوف) ناتوانی و وابستگی به دیگران و خوردن باقی‌ماندهٔ غذای آنان.

4. **شیر:** نماد انسان‌های نیرومند، کوشا، باهمّت و بخشنده که با تلاش خود روزی می‌یابند و دیگران را هم بهره‌مند می‌کنند. **روباه:** نماد انسان‌های ناتوان، تنبل، بی‌همّت و وابسته که چشم به دسترنج دیگران دارند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ صفحه ۱۵ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱) معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

۲) درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

یقین، مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد

۳) برای مفهوم هریک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

رزق هرچند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها (سعدی)

سحر دیدم درخت ارغوانی / کشیده سر به بام خسته‌جانی// به گوش ارغوان آهسته گفتم: / بهارت خوش که فکر دیگرانی (فریدون مشیری)

چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود، محتاج بودن (پروین اعتصامی)

۴) دربارهٔ ارتباط معنایی متن درس و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

1. «چو مردان ببر رنج و راحت رسان / مخنث خورد دسترنج کسان»: مانند مردان (جوانمردان) خود رنج بکش و برای دیگران آسایش فراهم کن؛ زیرا فقط انسان سست و ناتوان است که از دسترنج دیگران می‌خورد. مفهوم: ارزش کار و تلاش و دوری از وابستگی.
2. وقتی انسان به خدا ایمان و یقین راستین داشته باشد، بینش او روشن می‌شود و می‌فهمد که روزی‌رسان خداست و بر او توکل می‌کند. اما در ادامهٔ متن می‌بینیم توکل به معنای بی‌کاری و گوشه‌نشینی نیست؛ بلکه باید همراه با تلاش و کوشش باشد.
3. الف) «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش» (بیت ۱۵) یا «برو شیر درنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل» (بیت ۱۱): لزوم تلاش برای به‌دست‌آوردن روزی. ب) «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» (بیت ۱۸) یا «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» (بیت ۲۰): توجه به دیگران و نفع‌رساندن به آنان. پ) «به چنگ آر و با دیگران نوش کن / نه بر فضلهٔ دیگران گوش کن» (بیت ۱۴) یا بیت ۱۵: بی‌نیازی از دیگران و اتکا به توانایی خود.
4. متن درس می‌گوید انسان باید برای روزی خود بکوشد و فقط به انتظار نماند (از تو حرکت)؛ و در عین حال پشتوانهٔ اصلی را لطف خدا بداند و بر او توکل کند (از خدا برکت). روباه با آنکه دست و پا نداشت، روزی‌اش از غیب رسید؛ اما ندا آمد که شیرِ درنده باش، نه روباهِ شل؛ یعنی کوشش انسان و یاری خدا در کنار هم به نتیجه می‌رسند.

۴ صفحه ۲۱ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱) از متن درس، با توجه به رابطهٔ معنایی «تناسب»، واژه‌های مناسب انتخاب کنید و در جاهای خالی قرار دهید.

خیلتاش ..... ، ..... رقعت ..... ، .....

۲) معادل معنایی فعل‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

فرمان داد. (.....) سوار اسب شد. (.....) اجازهٔ حضور داده شود. (.....)

۳) کاربرد معنایی واژهٔ «محجوب» را در عبارت‌های زیر بررسی کنید.

محجوب گشت از مردمان، مگر از اطبا و ... . مردی محجوب بود و دیده و دلش از گناه به دور.

۴) به دو جملهٔ زیر و تفاوت آنها توجه کنید: الف) مریم کتاب می‌خواند. ب) کتاب خوانده می‌شود. ... (توضیح مجهول‌ساختن جمله)

اکنون از متن درس، نمونه‌هایی از فعل مجهول بیابید و معادل امروزی آنها را بنویسید.

1. **خیلتاش:** سوار، حشم (لشکر و سپاه)؛ **رقعت:** نامه، توقیع (و دوات و قلم). (با توجه به متن: «خیلتاشان و سوار را گسیل کرده»، «حشم و ندیمان»؛ «رقعتی نبشت»، «توقیع کرد و دوات خواست». این واژه‌ها با هم رابطهٔ تناسب دارند.)
2. فرمان داد: «مثال داد» (یا «فرمود»)؛ سوار اسب شد: «برنشست»؛ اجازهٔ حضور داده شود: «بار داده آید».
3. در عبارت اول «محجوب» یعنی **پوشیده و پنهان** (امیر از دید مردم پنهان شد و کسی جز چند تن او را نمی‌دید)؛ در عبارت دوم یعنی **باحیا، آزرم‌ناک و باشرم** (مرد بسیار باحیا و باوقار).
4. نمونه‌ها: «نبشته آمد» ← نوشته شد؛ «بار داده آید» ← اجازهٔ حضور داده شود؛ «گسیل کرده شود» ← فرستاده شود؛ «تا داده آید» ← تا داده شود؛ «خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند» ← زده شده بودند. (در گذشته مجهول را با «آمدن» و «گشتن» نیز می‌ساختند، ولی امروزه فقط با «شدن» ساخته می‌شود.)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۵ صفحه ۲۲ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱) دو نمونه از ویژگی‌های نثر متن درس را بیابید.

۲) در عبارت‌های زیر، «مجاز»ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

الف) به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند.

ب) زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده.

1. ۱) **کاربرد واژه‌ها و ساخت‌های کهن:** مانند «برنشست، بخواست، بیاوردند، نبشت»، مجهول با «آمدن» («بار داده آید، نبشته آمد») و آوردن «را» به معنی «برای» («سجدهٔ شکر کرد خدای را»). ۲) **ایجاز و سادگی بیان:** جمله‌های روایی و ساده، حذف فعل به قرینه، آوردن «ب» بر سر فعل ماضی («بگفتم، بخواند، بگریست») و بیان بدون آرایه‌های پیچیده و پُرتکلف.
2. الف) «آب»: مجاز از **رود** (رودخانه) — علاقهٔ جنس/ماده (آب به جای رودی که از آن است). ب) «شمشیر»: مجاز از **جنگ و نبرد** — علاقهٔ آلت (ابزار به جای کار).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۶ صفحه ۲۳ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱) معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.

۲) با توجه به جملهٔ زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم درنهاد.»

الف) مقصود از «این مرد» چه کسی است؟ ب) «دبیر کافی» به چه معناست؟

۳) گوینده عبارت زیر، از کدام فضیلت‌های اخلاقی برخوردار است؟

«آنچه دارم از حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.»

۴) دربارهٔ مناسبت مفهومی بیت زیر و متن درس توضیح دهید.

میفکن به روز جزا کار خود را / حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو (صائب تبریزی)

1. امیر مسعود که انگار از دنیای مرگ بازگشته بود (از غرق‌شدن نجات یافته بود)، به خیمه آمد و لباس خیس و تباه‌شدهٔ خود را عوض کرد.
2. الف) مقصود **بونصر مشکان** (دبیر و منشی دربار امیر مسعود) است. ب) «دبیر کافی»: نویسندهٔ (منشی) کاردان، توانا و شایسته که کارها را به‌خوبی انجام می‌دهد.
3. گوینده، قاضی بُست (ابوالحسن)، است. او دارای **قناعت، بی‌نیازی و بی‌طمعی، پرهیزکاری و تقوا، حق‌شناسی و ترس از حسابرسی روز قیامت، پاک‌دستی و وارستگی** است؛ به همین دلیل مال مشکوکی را که امیر می‌بخشد نمی‌پذیرد.
4. صائب می‌گوید حساب کارهایت را همین‌جا (در دنیا) روشن کن و آن را به قیامت وانگذار تا آسوده باشی. قاضی بُست نیز از پذیرفتن مال مشکوک خودداری می‌کند، چون می‌ترسد در قیامت باید حساب آن را پس بدهد؛ پس با قناعت به مال حلال، حساب خود را در دنیا پاک نگه می‌دارد و دلش آسوده است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۷ صفحه ۲۵ **درک و دریافت**

۱) این سروده را از دید لحن و آهنگ خوانش، بررسی نمایید.

۲) با توجه به قلمرو فکری شعر، دربارهٔ ریشه‌ها و پیامدهای تقلید نابه‌جا و کورکورانه، گفت‌وگو کنید.

1. این سروده روایی و داستانی است. در بخش آغاز (توصیف باغ و راغ و زیبایی و خرام کبک) لحن خواندن آرام، شاعرانه و تحسین‌آمیز است و آهنگ نرم و کشیده دارد. در بخش میانی که زاغ می‌کوشد گام‌های کبک را تقلید کند، لحن کمی پرتحرک و همراه با تعجب و طنز است. در پایان، که نتیجهٔ کار (فراموش‌کردن راه و رفتار خود) بیان می‌شود، لحن جدی، اندرزگونه و قاطع است و آهنگ خوانش با تأکید و مکث همراه می‌شود.
2. **ریشه‌ها:** نداشتن اعتماد به نفس و ناآگاهی از توانایی‌های خود، چشم‌وهم‌چشمی و خودباختگی در برابر دیگران، تحت‌تأثیر ظاهر و تبلیغات‌قرارگرفتن، ساده‌انگاری و بی‌تفکر عمل‌کردن. **پیامدها:** از دست دادن هویت و ویژگی‌های خود، ناکامی در رسیدن به الگو (زاغ هرگز کبک نشد)، پشیمانی و ضرر («غرامت‌زده»)، وابستگی و بی‌اصالتی، هدررفتن وقت و سرمایه. نتیجه: باید ارزش‌ها و توانایی‌های خود را شناخت و از الگوهای خوب با تفکر و انتخاب آگاهانه پیروی کرد، نه کورکورانه.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فارسی ۲ یازدهم - فصل دوم

ادبیات پایداری

فهرست

۸ صفحه ۳۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس سوم: در امواج سند ... ۱۲

۹ صفحه ۳۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس سوم: در امواج سند ... ۱۲

۱۰ صفحه ۳۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس سوم: در امواج سند ... ۱۳

۱۱ صفحه ۴۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس پنجم: آغازگری تنها ... ۱۴

۱۲ صفحه ۴۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس پنجم: آغازگری تنها ... ۱۵

۱۳ صفحه ۴۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس پنجم: آغازگری تنها ... ۱۶

۱۴ صفحه ۴۹ · درک و دریافت — روان‌خوانی: تا غزل بعد ... ۱۷

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸ صفحه ۳۱ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱) در متن درس، واژه‌هایی را بیابید که معانی زیر را دارا باشند.

اسب (.....) نابودکننده (.....) عمیق (.....)

۲) جمله‌های زیر را با هم می‌خوانیم و به نقش‌های مختلف کلمهٔ «امروز» توجه می‌کنیم:

امروز را غنیمت دان. نقش: مفعول

امروز، روز شادی است. نقش: نهاد

گنجینهٔ عمر، امروز است. نقش: مسند

برنامهٔ امروز، تأیید شد. نقش: مضاف‌الیه

امروز، به کتابخانهٔ ملی می‌روم. نقش: قید

در همهٔ جمله‌های بالا به‌جز جملهٔ آخر، کلمهٔ «امروز» نقش‌های اسم را گرفته است. کلمهٔ «امروز» در جملهٔ آخر، هیچ‌یک از نقش‌های اسم را ندارد. منادا هم نیست. «امروز» در جملهٔ مذکور، «گروه قیدی» است. گروه قیدی، بخشی از جمله است که جمله یا جزئی از آن را مقید می‌کند یا توضیحی نظیر مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله می‌افزاید. قید می‌تواند از نظر «نوع»، اسم، صفت یا قید باشد.

در بیت‌های نهم و دهم، قیدها را مشخص کنید.

1. **اسب:** «باره» (در عبارت «باره می‌گردد»)؛ **عمیق:** «ژرف»؛ **نابودکننده:** «بنیان‌کن / ویرانگر» (واژهٔ دقیق در متن شعر: با توجه به مفهوم، صفتی است که دربارهٔ دشمن یا موج و سیل به کار رفته است).
2. این بند در کتاب خود پاسخ‌دادنی ندارد و فقط آموزش مفهوم «گروه قیدی» است؛ نتیجه: «امروز» در جمله‌هایی که نقش مفعول، نهاد، مسند و مضاف‌الیه می‌گیرد «اسم» است، اما در جملهٔ «امروز، به کتابخانهٔ ملی می‌روم» زمان انجام کار را می‌رساند و قید است.
3. در بیت نهم («چه اندیشید آن دم، کس ندانست / که مژگانش به خون دیده تر شد») قید: **«آن دم»** (قید زمان)؛ و در بیت دهم («چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد») قیدها: **«هم»** (قید تأکید/اشتراک) و **«کمی»** (قید مقدار).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۹ صفحه ۳۱ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱) «دریای خون»، در بیت‌های هشتم و دوازدهم، استعاره از چیست؟

۲) ابیات زیر را از نظر کاربرد «تشبیه» و «کنایه» بررسی کنید.

ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید

در آن سیمابگون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید

۳) به شعر «در امواج سند» دقت کنید؛ این شعر از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ تشکیل شده است. هر بند، شامل چهار مصراع است؛ به این نوع شعر «چهارپاره» یا «دوبیتی‌های پیوسته» می‌گویند؛ چهارپاره، بیشتر برای

طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود و رواج آن، از دورهٔ مشروطه بوده و تاکنون ادامه یافته است.
ملک‌الشعرای بهار، فریدون مشیری و فریدون توللی سروده‌هایی در این قالب دارند.
اکنون، نحوهٔ قرار گرفتن قافیه‌ها را در این چهارپارهٔ حمیدی شیرازی به کمک شکل نشان دهید.

1. «دریای خون» استعاره از **میدان نبرد و کارزار** است؛ جایی که از بس خون ریخته شده، مانند دریایی از خون شده است (استعارهٔ مصرّحه).
2. **تشبیه:** «امواج سیمابگون»: امواج رود سند به سیماب (جیوه) مانند شده‌اند؛ مشبه: امواج، مشبه‌به: سیماب، ادات: «گون»، وجه شبه: نقره‌ای‌بودن و لرزانی (تشبیه بلیغ اسنادی ـ اضافی نیست؛ تشبیه با ادات). **کنایه:** «اشک از رخسار فرو ریختن» کنایه از گریستن و اندوهگین‌شدن؛ «بنای زندگی را بر آب دیدن» کنایه از بی‌پایه، ناپایدار و بی‌ثبات‌دیدن زندگی (و نیز اشاره به فنا و نابودی)؛ «خیال تازه‌ای در خواب دیدن» کنایه از نقشه‌ای تازه در سر پروراندن.
3. در هر بند، مصراع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه‌اند و مصراع‌های اول و سوم قافیه ندارند (آزادند)؛ در نتیجه الگوی قافیه در هر بند چنین است:

مصراع اول ـــــــ (آزاد)
مصراع دوم ـــــــ الف
مصراع سوم ـــــــ (آزاد)
مصراع چهارم ـــــــ الف

یعنی نمودار **الف ب ج ب**؛ برای نمونه در بند مثال: «آب می‌دید» و «خواب می‌دید» هم‌قافیه‌اند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۰ صفحه ۳۲ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱) شاعر در بیت زیر، قصد بیان چه نکته‌ای را دارد؟
در آن تاریک شب می‌گشت پنهان / فروغ خرگه خوارزمشاهی
۲) حمیدی شیرازی در ابیات زیر، چه کسی را و با چه ویژگی‌هایی وصف می‌کند؟
چه اندیشید آن دم، کس ندانست / که مژگانش به خون دیده تر شد
چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد
۳) دربارهٔ ارتباط معنایی بیت زیر و متن درس توضیح دهید.
در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همت مردانهٔ ما (رهی معیری)
۴) شاعر در بیت زیر، چه صحنه‌ای از نبرد را وصف می‌کند؟
ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت / دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

۵) .....

1. شاعر می‌خواهد بگوید که در آن شب تاریکِ شکست و اندوه، شکوه، فروغ و جلالِ دستگاه حکومتی خوارزمشاهیان در تاریکی فرو رفته و پنهان شده بود؛ یعنی دوران درخشش آنان رو به پایان بود و شکستِ لشکر در برابر مغولان، نور و شکوه خرگاه خوارزمشاه را کم‌فروغ کرد.
2. شاعر **جلال‌الدین خوارزمشاه**، شاهزادهٔ دلیر و میهن‌دوست ایرانی را وصف می‌کند. ویژگی‌ها: دلیری و جنگاوری؛ مهربانی و دل‌نازکی (اشک در چشمانش جمع می‌شود و برای یاران و سرزمینش می‌گرید)؛ خشم و کینهٔ سوزان نسبت به دشمنان (همچون آتش در سپاه دشمن افتاد و حتی از آتش سوزنده‌تر بود)؛ و فرماندهی استوار و بی‌باک.
3. هر دو، از جان‌گذشتگی و فداکاری در راه میهن سخن می‌گویند: در درس، جلال‌الدین برای دفاع از وطن و آزادی سرزمینش با تمام توان می‌جنگد و جان خود و یارانش را در راه ایران نثار می‌کند؛ در بیت نیز شاعر می‌گوید ما در راه عشق به وطن از جان خود گذشته‌ایم و باید دید همت مردانهٔ ما در این راه چه می‌کند.
4. صحنهٔ پایداری و دلیری سپاه ایران را وصف می‌کند: هر چه از سپاه ایران کشته می‌شد (ریختن برگ از شاخه)، جنگاوران تازه‌نفس و دلاور دو برابر برمی‌خاستند و به جای آنان به میدان می‌آمدند (شکفتن و برگ کردن)؛ یعنی کشته‌شدن رزمندگان نه تنها از روحیه و نیروی سپاه نمی‌کاست، بلکه بر پایداری و جوشش آن می‌افزود.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۱ صفحه ۴۳ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱) هم‌آوای کلمهٔ «صفیر» را بنویسید و آن را در جمله‌ای به کار ببرید.

۲) چهار «ترکیب اضافی» که اهمیت املایی داشته باشند، از متن درس انتخاب کنید.

۳) همان‌طور که می‌دانید، هر گروه اسمی، یک «هسته» دارد که می‌تواند با یک یا چند وابستهٔ پیشین و پسین همراه شود. به انواع وابسته‌های پیشین توجه کنید: صفت پرسشی: کدام روز؛ صفت تعجبی: عجب روزی؛ صفت اشاره: آن روز؛ صفت مبهم: هر روز؛ صفت شمارشی اصلی: یک روز؛ صفت شمارشی ترتیبی (با پسوند ـُمین): دومین روز؛ صفت عالی: بهترین روز.

اینک با یک نوع دیگر از وابسته‌های پیشین آشنا می‌شویم: شاخص: شاخص‌ها لقب‌ها و عنوان‌هایی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی، در کنار اسم قرار می‌گیرند. مانند: «امام، علامه، استاد، آقا، حاجی، خاله، کدخدا، سرلشکر، مهندس و ...».

توجه: شاخص‌ها کلماتی هستند که غالباً، بی‌فاصله، پیش از هسته می‌آیند؛ این کلمات در جای دیگر می‌توانند هستهٔ گروه اسمی، مضاف‌الیه و یا ... قرار بگیرند؛ در این‌صورت، شاخص محسوب نمی‌شوند. مثال: ـ استاد

معین، فرهنگ فارسی را در شش جلد تدوین کرده است. (شاخص) ـ ایشان، استاد زبان و ادبیات فارسی بودند. (هستهٔ گروه اسمی) ـ کتاب استاد، دربردارندهٔ مطالب مفیدی است. (مضاف‌الیه)

اکنون واژه‌های زیر را یک بار به عنوان «شاخص» و بار دیگر به عنوان «هستهٔ» گروه اسمی در جمله به کار ببرید.

سرهنگ: سیّد:

1. هم‌آوای «صفیر» (بانگ، سوت): **«سفیر»** (نمایندهٔ یک کشور در کشور دیگر). «صفیر گلوله‌ها در دشت پیچید.» ـ «سفیر ایران در اجلاس سازمان ملل سخنرانی کرد.»
2. ۱) «توازن قوا» (توازن قوای دو کشور) ۲) «صفیر گلوله‌ها» (نهیب و صفیر گلوله‌های توپ) ۳) «عرصهٔ روز محشر» ۴) «حریم زندگی» (حریم زندگی و هستی هموطنانشان). (نمونه‌های دیگر: «دارالسلطنهٔ تبریز»، «تحت‌الحمایگی کشور»، «حصار شهر».)
3. این بند آموزشی است و پاسخی جدا ندارد؛ نتیجه می‌گیریم که وابسته‌های پیشین عبارت‌اند از صفت‌های پرسشی، تعجبی، اشاره، مبهم، شمارشی (اصلی و ترتیبی)، عالی و «شاخص».
4. **سرهنگ:** شاخص ← «سرهنگ رضایی فرماندهی گردان را بر عهده گرفت.» (سرهنگ پیش از هسته آمده است.) ـ هسته ← «آن سرهنگ شجاع، پیشاپیش سپاه حرکت کرد.» (سرهنگ هستهٔ گروه اسمی است و «آن» و «شجاع» وابسته‌اند.) **سیّد:** شاخص ← «سیّد جمال‌الدین اسدآبادی به بیداری مسلمانان کوشید.» ـ هسته ← «آن سیّد بزرگوار به ما کمک کرد.»

۱۲ صفحه ۴۴ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی**

۱) متن درس را از نظر نوع ادبی بررسی کنید.

۲) برای هریک از آرایه‌های زیر، نمونه‌ای از بند هفتم درس (سپیدهٔ فردای گنجه ...) انتخاب کنید و بنویسید.

آرایهٔ ادبی: تشبیه ـ کنایه ـ تشخیص

۳) در عبارت زیر، بهره‌گیری از کدام آرایه‌های ادبی بر زیبایی سخن افزوده است؟

در ایران آن روز، دو دربار بود! دربار بزم و دربار رزم؛ بزم پدر، رزم پسر!

1. متن درس نثری ادبی و روایی است و از نظر نوع ادبی، **داستان‌گونه و تاریخی (زندگی‌نامه‌ای)** و در حوزهٔ **ادبیات پایداری و دفاع از میهن** قرار می‌گیرد. نویسنده با زبانی شاعرانه و آمیخته با آرایه، صحنه‌های واقعی تاریخ را (زمان عباس میرزا و جنگ ایران و روس) روایت کرده است؛ راوی دانای کل (سوم‌شخص) است.

2. **تشبیه:** «سپاه روس مثل مور و ملخ در پهنهٔ شهر پراکنده شدند» (سپاه روس به مور و ملخ مانند شده است)؛ «اجساد ... مثل برگ‌های خزان‌زده، زمین را پوشانده بود». **کنایه:** «خود را به صف آتش دشمن زدن»: کنایه از بی‌باکانه حمله‌کردن و جان بر کف نهادن؛ «سینه‌ها را سپر گلوله‌های آتشین ساختن»: کنایه از ایستادگی و فداکاری؛ «واپسین رمق»: آخرین توان. **تشخیص (جان‌بخشی):** «گنجه با واپسین رمق‌هایش، زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشید» (شهر مانند انسان نفس می‌کشد)؛ «بادهای اواخر زمستان، ناله‌های واماندگان را ... می‌برد».

3. **تضاد:** «بزم» و «رزم»؛ **جناس ناقص:** «بزم» و «رزم» (اختلاف در حرف آغاز)؛ **تکرار:** واژهٔ «دربار»؛ **موازنه (هم‌وزنی) و سجع:** «بزم پدر، رزم پسر» که دو جمله در وزن و ساختار برابرند؛ **تناسب:** پدر و پسر؛ همچنین **استعاره/ایهام تناسب** در «دو دربار» (دو شیوهٔ حکومت و زندگی).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۱۳ صفحه ۴۴ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱) چه عاملی عباس میرزا را برای تحقق آرمان‌های ملی‌اش، استوارتر و امیدوارتر می‌کرد؟

۲) در عبارت زیر، مقصود نویسنده از قسمت‌های مشخص‌شده چیست؟

«مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.»

۳) با توجه به بیت زیر، شخصیت «عباس میرزا» را تحلیل نمایید.

چون شیر به خود سپه‌شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش (نظامی)

۴) .....

---

1. دیدن عشق به میهن و دفاع از حریم زندگی و هستی هموطنان در سربازان و فرماندهان؛ آنان پیش از آنکه حکم و سفارش حاکمان و خان‌ها آنان را گرد آورده باشد، تنها با عشق به وطن به میدان آمده بودند. مشاهدهٔ صحنه‌های ناب و توفنده‌ی این فرزندان میهن، عباس میرزا را به وجد می‌آورد و آرمان‌های ملی‌اش را استوار می‌کرد.

2. «خانه‌های تاریک و بی‌دریچه»: استعاره/کنایه از زندگی در جهل، عقب‌ماندگی، سنت‌های کهنه و افکار پوسیده و بی‌خبری از دانش و تمدن نو؛ «پنجره‌های باز و نورگیر»: دانش و فناوری نو، آگاهی و روشنگری، نوسازی و گشودگی به جهان؛ «گریزان بودن»: مقاومت و ترس مردم از پذیرش تغییر و اندیشهٔ تازه، چون به جهل و عادت‌های گذشته خو کرده‌اند. نویسنده می‌گوید جنگ با افکار پوسیده دشوارتر از جنگ با دشمن بیرونی است.

3. بیت نظامی می‌گوید مانند شیر به نیروی خود دشمن‌شکن باش و فرزند خصلت‌های خودت باش، نه ارث پدر. عباس میرزا چنین است: شاهزاده‌ای جوان، شجاع و بلندهمت که پیشاپیش سپاه می‌رود؛ میهن‌دوست و آرمان‌خواه؛ خودباور؛ اهل مشورت و خردورزی (قائم‌مقام را مرشد خود می‌داند)؛ آگاه به عقب‌ماندگی ایران نسبت به اروپا و خواهان نوسازی، آموزش دانش‌های نو و ایجاد ارتش و صنعت جدید؛ و پیش‌رو در پایداری برابر متجاوزان (با تکیه بر توان و ویژگی‌های شخصی خود، نه به پشتوانهٔ پدر یا موقعیت).

۱۴ صفحه ۴۹ درک و دریافت

۱) متن «آغازگری تنها» و «تا غزل بعد» را از نظر زاویهٔ دید و شخصیت‌های اصلی مقایسه نمایید.
۲) در این متن، از چه راهکارهایی در رویارویی با دشواری‌های اسارت بهره گرفته شده است؟

1. **زاویهٔ دید:** «آغازگری تنها» با زاویهٔ دید **سوم‌شخص (دانای کل)** روایت شده و نویسنده از بیرون به رویدادها و اندیشهٔ شخصیت‌ها می‌نگرد؛ «تا غزل بعد» با زاویهٔ دید **اول‌شخص (من‌راوی)** و به صورت خاطره است و راوی خود شاهد و شرکت‌کنندهٔ ماجراست. **شخصیت‌های اصلی:** در «آغازگری تنها»، عباس میرزا (نایب‌السلطنه) به همراه میرزا عیسی قائم‌مقام، جوادخان گنجه‌ای و فتحعلی‌شاه، شخصیت‌هایی تاریخی و شناخته‌شده‌اند؛ در «تا غزل بعد» شخصیت اصلی خود راوی (اسیر آزاده و معلم) است و شخصیت‌های دیگر هم‌بندان عادی او (حاج آقا کرامت شیرازی، عباس درمان، شایق، حسن قانع و ...) هستند. هر دو متن دربارهٔ پایداری و ایستادگی‌اند، یکی در میدان جنگ و دیگری در اسارت.

2. راهکارها: ۱) آموزش خواندن و نوشتن به هم‌بندان کم‌سواد با برنامه‌ریزی، ساختن کتاب و کارنامه از مقوا و برگزاری مراسم؛ ۲) آموزش قرآن و نهج‌البلاغه و برخی درس‌های دیگر (حساب، علوم) و آموزش زبان خارجی توسط دیگر اسرا؛ ۳) دعاخواندن و برگزاری مراسم اعیاد مذهبی و مناسبت‌ها با وجود ممنوعیت؛ ۴) تشکیل گروه سرود، مقاله‌نویسی، دکلمه و شعرخوانی (مانند خواندن شعر «تا غزل بعد»)؛ ۵) نمایش و خیمه‌شب‌بازی با امکانات اندک؛ ۶) برگزاری مسابقات ورزشی (والیبال، فوتبال)؛ ۷) تشویق افراد منزوی و ناامید به مشارکت در برنامه‌ها و دل‌گرمی‌دادن و روحیه‌دادن به آنان؛ ۸) کار جمعی و ارادهٔ همگانی برای تحمل سختی‌ها و پرکردن وقت و حفظ امید.

فارسی ۲ یازدهم - فصل سوم

ادبیات غنایی

فهرست

۱۵ صفحه ۵۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — پروردهٔ عشق ... ۱۹

۱۶ صفحه ۵۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — پروردهٔ عشق ... ۱۹

۱۷ صفحه ۵۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — پروردهٔ عشق ... ۲۰

۱۸ صفحه ۶۰ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — باران محبت ... ۲۱

۱۹ صفحه ۶۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — باران محبت ... ۲۲

۲۰ صفحه ۶۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — باران محبت ... ۲۳

۲۱ صفحه ۶۳ · درک و دریافت — شعرخوانی — آفتاب حسن ... ۲۴

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۵ صفحه ۵۴ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱ معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

جهد برتوست و بر خدا توفیق / زانکه توفیق و جهد هست رفیق (سنایی)

خنیده به گیتی به مهر و وفا / ز اهریمنی دور و دور از جفا (فردوسی)

۲ سال گذشته خواندیم که در شیوهٔ بلاغی، جای اجزای کلام در جمله، تغییر می‌کند، اما در متن آموزشی، مطابق با شیوهٔ عادی و نوشتار معیار، نهاد در آغاز جمله و فعل در پایان آن قرار می‌گیرد. اکنون اجزای بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.

گفتند به اتفاق یکسر / کز کعبه گشاده گردد این در

۳ در بیت‌های زیر، نقش «ـَم» را بررسی کنید.

الف) دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم

ب) پروردهٔ عشق شد سرشتم / جز عشق مباد سرنوشتم

---

۱) «جهد»: کوشش، تلاش؛ «خنیده»: مشهور، معروف، نامدار.

۲) «یکسر به اتفاق گفتند که این در از کعبه گشاده گردد (گشوده شود).» نهاد (آنان) محذوف است و «کز» مخفف «که از» است.

۳) الف) در «مبتلای عشقم»، «ـَم» شناسهٔ فعل اسنادی است (مبتلای عشق هستم)؛ در «بلای عشقم»، «ـَم» مضاف‌الیه است (بلای عشقِ من). ب) در «سرشتم» و «سرنوشتم»، «ـَم» مضاف‌الیه است (سرشتِ من، سرنوشتِ من).

۱۶ صفحه ۵۴ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱ شاعران، در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می‌گیرند؛ مهم‌ترین دلیل آن را بنویسید.

۲ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

برداشته دل ز کار او، بخت / درمانده پدر به کار او سخت

۳ در بیت زیر، شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره گرفته است؟

آمد سوی کعبه، سینه پرجوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش

---

۱) در مثنوی هر بیت قافیهٔ جداگانه دارد (aa، bb، cc ...)؛ بنابراین شاعر برای سرودن داستان‌های بلند، گرفتار یافتن قافیهٔ مشترک برای همهٔ بیت‌ها نمی‌شود و می‌تواند هر اندازه که بخواهد داستان را ادامه دهد.

۲) بیت اول: «رایت عشق»: اضافهٔ تشبیهی (عشق به پرچم مانند شده است)؛ «جهانگیر شدن» و «آسمان‌گیر شدن»: کنایه از مشهور و پرآوازه شدن؛ «چون مه لیلی...»: تشبیه (عشق مجنون در آوازه و شهرت، به ماه لیلی مانند شده است)؛ «جهانگیر» و «آسمان‌گیر»: تناسب و هم‌آوایی. بیت دوم: «دل برداشتن از کار کسی»: کنایه از ناامید شدن؛ «بخت دل برداشت»: تشخیص (بخت مانند انسان فرض شده است)؛ «درمانده بودن»: کنایه از چاره‌ناپذیری و ناتوانی؛ تکرار «کار او»؛ «بخت» و «سخت»: قافیه و واج‌آرایی (صامت «خ» و «ت»).

۳) شاعر ابتدا مجنون را (که از اشتیاق به کعبه آمده است) به کعبه تشبیه کرده است؛ همان‌گونه که در کعبه حلقه‌ای وجود دارد، مجنون نیز حلقه‌ای در گوش دارد. بر پایهٔ این تشبیه، کنایهٔ «حلقه در گوش نهادن (حلقه‌به‌گوش شدن)» ساخته شده است که یعنی بنده و فرمانبردار شدن؛ یعنی مجنون نیز مانند کعبه که حلقه در دارد، حلقهٔ بندگی خدا را در گوش کرد.

۱۷ صفحه ۵۵ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

محراب زمین و آسمان اوست / حاجتگه جملهٔ جهان اوست

۲ در بیت‌های هفدهم و بیستم، کدام ویژگی‌های «مجنون» بارز است؟

۳ بر مبنای درس و با توجه به بیت‌های زیر، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید.

عشق‌بازی، کار بیکاران بُوَد / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟ (نعمت‌الله ولی)

از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / اولِ روز، رنگ این ویرانه، ویران ریختند (بیدل)

۴ مفهوم بیت زیر را با نگرش خویشان مجنون و چاره‌سازی آنها مقایسه کنید.

از عقل میندیش به عشق من، یک بار / بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را (محمدعلی بهمنی)

۵ .....

۱) خداوند قبلهٔ زمین و آسمان و برآورندهٔ نیاز همهٔ مردم جهان است؛ یعنی همهٔ موجودات به او روی می‌آورند و حاجت خود را فقط از او می‌خواهند.

۲) مجنون عاشقی است که عشق را سرشت و سرنوشت خود می‌داند و جز عشق چیزی نمی‌خواهد؛ در عاشقی ثابت‌قدم است و با نصیحت و چاره‌جویی دیگران از عشق دست نمی‌کشد؛ برای رهایی از عشق دعا نمی‌کند، بلکه از خدا می‌خواهد عشقش را به نهایت و کمال برساند؛ از خود بی‌خود و سرمست عشق است و برای محبوب از خودگذشتگی دارد (حتی عمر خود را برای لیلی می‌خواهد).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳) پدر مجنون و خویشان او ابتدا عشق را بیماری و کاری بیهوده و گزافه می‌دانستند و با عقل و تدبیر (نصیحت، چاره‌گری، رفتن به کعبه و دعا برای رهایی) می‌خواستند فرزندش را از عشق برهانند. اما بیت‌های نعمت‌الله ولی و بیدل نشان می‌دهند که عشق کار عاقلانِ چاره‌اندیش نیست و ویران‌شدن دل از آغاز، لازمهٔ عشق است؛ پس تعمیر دل و درمان عشق بیهوده است. در پایان، پدر که چاره‌ها را بی‌نتیجه می‌بیند، درمانده و خاموش می‌شود و درمی‌یابد که دل فرزندش به دردی بی‌درمان گرفتار است و عشق را با تدبیر عقلانی نمی‌توان درمان کرد.

۴) خویشان مجنون با عقل‌گرایی و مصلحت‌اندیشی می‌خواستند مشکل او را حل کنند و عشق را از دلش بیرون آورند؛ اما شاعر در این بیت می‌گوید عقل را کنار بگذار و بگذار دل مسئله‌های عشق را حل کند؛ یعنی راه‌حل مشکل عاشق، دل‌سپردگی به خود عشق است نه عقل. پس نگرش خویشان (عقل‌گرایی) در برابر نگرش شاعر و مجنون (عشق و دل‌گرایی) قرار دارد.

۵) (نقطه‌چین است و پرسش ندارد.)

---

۱۸ صفحه ۶۰ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی**

۱ معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

تا در تحصیل فضل و ادب، رغبتی صادق نباشد، این منزلت نتوان یافت. (کلیله و دمنه)

ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضرت کریم، تمنا چه حاجت است؟ (حافظ)

بی‌نوایی به از مذلت سعدی / خواست نانم فزود و آبرویم کاست

۲ با دقت و توجه به جدول زیر، شکل‌ها و جایگاه همزه را در زبان فارسی بهتر بشناسیم:

شکل همزه: ا ء آ أ ؤ ئ — هیئت، متلألئ، رؤیا، مؤلّف، لؤلؤ، رأفت، مبدأ، آسان، الآن، مار بوآ، جزء، شیء، ابر، اراده، مثال، اجرت

اکنون برای کاربرد شکل‌های مختلف همزه، شش واژهٔ مناسب بیابید و بنویسید.

۳ در بند پایانی درس، جمله‌های مرکب و پیوندهای وابسته‌ساز را مشخص کنید.

---

۱) «رغبت»: میل و خواست؛ «حضرت»: درگاه، پیشگاه؛ «مذلت»: خواری و فرومایگی.

۲) نمونه‌ها: آسمان (آ)، امید (ا)، رأی (أ)، مسئله (ئ)، مؤمن (ؤ)، جزء (ء). (واژه‌های دیگر: مسئول، مأمور، سؤال، شأن، تأثیر، مبدأ، شیء)

توشه‌ای برای موفقیت

۳) بند پایانی («هر چند که ملایکه در او نظر می‌کردند ... مردود همهٔ جهان گَشت.»): • «هر چند که ملایکه در او نظر می‌کردند، نمی‌دانستند که این چه مجموعه‌ای است تا ابلیس ... گَرد او طواف می‌کرد»: جملهٔ مرکب؛ پیوندهای وابسته‌ساز: «هر چند که»، «که»، «تا». • «چون ابلیس گرد قالب آدم برآمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست»: جملهٔ مرکب؛ پیوندها: «چون»، «که» (در «هر چیز را که بدید»)، «که» (در «دانست که چیست»). • «اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت»: جملهٔ مرکب؛ پیوند: «چون». • «هر چند که کوشید که راهی یابد تا به درون دل در رود، هیچ راه نیافت»: جملهٔ مرکب؛ پیوندها: «هر چند که»، «که»، «تا». • «ابلیس با خود گفت: هرچه دیدم، سهل بود»: جملهٔ مرکب؛ پیوند: «هرچه». • «اگر ما را آفتی رسد از این شخص، از این موضع تواند بود و اگر حق تعالی را با این قالب، سر و کاری خواهد بود، در این موضع تواند بود»: جملهٔ مرکب؛ پیوند: «اگر» (دو بار). • «ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همهٔ جهان گَشت»: جملهٔ مرکب؛ پیوند: «چون». • جمله‌های «کار مشکل اینجاست» و «با صدهزار اندیشه، نومید از در دل بازگشت» ساده‌اند.

---

۱۹ صفحه ۶۱ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱ عبارت زیر را از دید آرایه‌های ادبی، بررسی کنید.

پس، از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گِل کرد و به ید قدرت در گِل از گَل، دل کرد.

۲ در بیت زیر، «استعاره» را مشخص کنید و آن را بررسی نمایید.

عشق بر رگ روح زدند نشتری / یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

۳ برای هر مفهوم زیر، از متن درس، معادل کنایی بیابید و بنویسید.

نپذیرفتن (.....) متوسل شدن (.....) شتاب داشتن (.....)

۱) «ابر کرم» و «باران محبت» و «ید قدرت»: اضافهٔ تشبیهی (کرم به ابر، محبت به باران و قدرت به دست مانند شده است)؛ «ابر، باران، بارید»: تناسب؛ «خاک» و «گِل»: تناسب؛ «خاک آدم»: «خاک» مجاز از جسم و تن؛ «گَل» و «دل»: جناس ناقص و واج‌آرایی؛ «آدم»: تلمیح به داستان آفرینش آدم؛ «ید قدرت»: تشخیص (قدرت خدا دارای دست)؛ «گِل از گَل، دل کرد»: تکرار.

۲) «نشتر عشق»: اضافهٔ تشبیهی؛ «رگ روح»: استعارهٔ مکنیه (روح مانند جاندار دارای رگ دانسته شده است)؛ «قطره»: استعارهٔ مصرحه از «دل» (قطره‌ای از خون که از رگ روح چکید و دل نام گَرفت). مفهوم: دل از زخم‌زدن عشق به روح پدید آمد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳) نپذیرفتن: «تن در ندادن»؛ متوسل شدن: «در دامن (کسی) آویختن / درآویختن»؛ شتاب داشتن: «دو اسبه آمدن».

۱ در عبارت‌های زیر، مقصود از قسمت‌های مشخص‌شده چیست؟

الف) شما در این آینه، نقش‌های بوقلمون بینید.

ب) هر لحظه، از خزاین غیب، گوهری، در نهاد او تعبیه می‌کردند.

پ) از حکمت ربوبیت، به سر ملایکه فرو می‌گفت.

۲ هر بیت، با کدام قسمت از متن درس تناسب مفهومی دارد؟

تا ز تو دلپذیر شد، هستی ناگزیر من / ناز تو و نیاز تو شد، همه دلپذیر من (حسین منزوی)

نیست جانش محرم اسرار عشق / هر که را در جان، غم جانانه نیست (خواجوی کرمانی)

تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین / دیو، آدم را نبیند غیر طین (مولوی)

۳ دربارهٔ ارتباط معنایی آیات شریفهٔ زیر و متن درس توضیح دهید.

الف) وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۱) (همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت.)

ب) إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (سورهٔ احزاب، آیهٔ ۷۲) (ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان، آن را بر دوش کشید. به درستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.)

۱) الف) «نقش‌های بوقلمون»: نقش‌ها و جلوه‌های رنگارنگ و گوناگون؛ یعنی فرشتگان در وجود آدم، شگفتی‌ها و نشانه‌های گوناگون قدرت و حکمت خدا را می‌بینند. ب) خداوند از گنجینه‌های نهان خود، ویژگی‌ها و استعدادهای ارزشمند و گران‌بهای معنوی (مانند معرفت و محبت) را در وجود آدم قرار می‌داد. پ) خداوند به اقتضای حکمت و تدبیر پروردگاری خود، آهسته و در راز جان فرشتگان می‌گفت: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید»؛ یعنی به رازی که از آفرینش آدم در نظر داشت، اشاره می‌کرد.

۲) بیت اول: با بخش «خاک ذلیل ... با حضرت عزت چندین ناز می‌کند» و «عشق معکوس گردد؛ اگر معشوق خواهد که از او بگریزد، او به هزار دست در دامنش درآویزد» تناسب دارد (ناز و نیاز میان خدا و آدم).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

بیت دوم: با «معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است» تناسب دارد؛ فرشتگان محرم راز عشق نبودند، زیرا غم جانانه در جانشان نبود. همچنین با «گوهر محبت ... دل آدم لایق بود» مرتبط است. بیت سوم: با «شما در گل منگرید، در دل نگرید» و با ماجرای ابلیس تناسب دارد که تنها ظاهر (گل و طین) آدم را دید و به درون دل او راه نیافت.

۳) الف) در متن آمده است که آدم می‌گفت: «من شما را می‌شناسم؛ باشید تا من سر از این خواب خوش بردارم، اسامی شما را یک به یک برشمارم.» این با آیهٔ «وعلّم آدم الأسماء کلها» هم‌خوان است؛ یعنی خداوند دانشی به آدم آموخت که فرشتگان نداشتند و همین مایهٔ برتری او شد. ب) در متن، «گوهر محبت» در «صدف امانت معرفت» نهاده شده و بر عالم ملک و ملکوت عرضه شده است، اما هیچ‌کس استحقاق نگهداری آن را نداشت و فقط دل آدم لایق آن بود. این همان «امانت» است که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از پذیرفتن آن ترسیدند ولی انسان آن را پذیرفت.

۲۱ صفحه ۶۳ **درک و دریافت — شعرخوانی**

۱ سه بیت نخستین این شعر را با توجه به گونهٔ «ادب غنایی» بررسی کنید.

۲ دربارهٔ دنیای آرمانی شاعر توضیح دهید.

۱) ادب غنایی، بیان احساسات و عواطف شخصی (عشق، آرزو، دلتنگی، ستایش معشوق و ...) است. سه بیت نخست: «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست» «ای آفتاب حسن برون آ دمی ز ابر / کان چهرهٔ مشعشع تابانم آرزوست» «گفتی ز ناز بیش مرنجان مرا برو / آن گفتنت که بیش مرنجانم آرزوست» شاعر با زبانی صمیمی و عاشقانه، معشوق را خطاب می‌کند و شور و اشتیاق خود را برای دیدار او بیان می‌دارد. تکرار «آرزوست» (ردیف) نشان‌دهندهٔ شوق و عاطفهٔ درونی اوست. در این بیت‌ها «من» شاعر حضور دارد و از احساس شخصی‌اش سخن می‌گوید. چهرهٔ معشوق را به باغ و گلستان، و سخن او را به قند مانند کرده است؛ «آفتاب حسن» اضافهٔ تشبیهی و «ابر ناز» که چهرهٔ او را پوشانده، استعاره و اضافهٔ تشبیهی است. در بیت سوم، حتی ناز و رنجاندن معشوق برای عاشق شیرین است؛ این حالت عاشقانه از ویژگی‌های ادب غنایی است.

۲) دنیای آرمانی شاعر دنیایی است که به‌جای «دیو و دد» (انسان‌های پست و درنده‌خو)، انسان‌های کامل در آن زندگی کنند. او از همراهان سست‌عنصر و بی‌همت خسته است و کسانی چون «شیر خدا» (حضرت علی (ع)) و «رستم دستان» (قهرمان دلیر و جوانمرد) را آرزو می‌کند؛ یعنی انسان‌هایی که شجاعت و مردانگی را با معنویت همراه دارند. او در جست‌وجوی انسان حقیقی است، هرچند دیگران می‌گویند «یافت نمی‌شود»؛ و آرزوی نهایی او دیدار حقیقت پنهانی است که از چشم‌ها نهان اما نشانه‌های او در آفرینش آشکار است (خداوند).

فارسی ۲ یازدهم - فصل چهارم

ادبیات سفر و زندگی

فهرست

۲۲ صفحه ۷۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — در کوی عاشقان ... ۲۶

۲۳ صفحه ۷۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — در کوی عاشقان ... ۲۶

۲۴ صفحه ۷۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — در کوی عاشقان ... ۲۷

۲۵ صفحه ۷۹ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — ذوق لطیف ... ۲۸

۲۶ صفحه ۷۹ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — ذوق لطیف ... ۲۹

۲۷ صفحه ۸۰ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — ذوق لطیف ... ۳۰

۲۸ صفحه ۸۵ · درک و دریافت — میثاق دوستی ۳۰

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۲ صفحه ۷۲ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. واژهٔ «مرشد» در متن درس، به چه معنایی است؟

۲. چهار ترکیب اضافی که اهمیت املایی داشته باشد، از متن درس بیابید و بنویسید.

۳. گاه، واژه از نظر نقش دستوری، پیرو گروه اسمی پیش از خود است؛ به این‌گونه نقش‌ها در اصطلاح، «نقش‌های تبعی» می‌گوییم:

معطوف: واژه یا واژه‌هایی که بعد از حرف عطف «و» می‌آید. مثال: مریم و زهرا آمدند.

بدل: واژه یا واژه‌هایی که واژه یا واژه‌های قبل از خود را توضیح می‌دهد. مثال: مریم، خواهر زهرا، به خانه آمد.

تکرار: واژه یا واژه‌هایی که در یک نقش، دو بار در جمله تکرار می‌شود. مثال: مریم آمد، مریم.

اکنون برای کاربرد هریک از نقش‌های تبعی، مثال مناسب بنویسید.

معطوف: .... بدل: .... تکرار: ....

1. «مرشد» یعنی راهنما و هدایت‌کننده؛ کسی که مراحل سیروسلوک را پشت سر گذاشته و رهرو را به راه حق راهنمایی می‌کند (همان «پیر» و «راهبر»). در متن درس، شمس‌الدین تبریزی «پیر و مرشد» مولانا شمرده شده است.
2. آوازهٔ تقوا - مناسک حج - علوم شریعت - خورشید عمر (نمونه‌های دیگر: مجالس وعظ، آفتاب عشق، شمس حقیقت). در این ترکیب‌ها املای «تقوا»، «مناسک»، «شریعت»، «خورشید» و «وعظ» اهمیت دارد.
3. معطوف: علی و حسن به مدرسه رفتند. («حسن» معطوف به «علی» است.) بدل: حافظ، شاعر بزرگ شیراز، غزل‌های ماندگاری سروده است. («شاعر بزرگ شیراز» بدل برای «حافظ» است.) تکرار: کتاب را خواندم، کتاب را. (یا: رضا آمد، رضا.)

۲۳ صفحه ۷۲ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. برای کاربرد هر آرایهٔ زیر، نمونه‌ای از متن درس بیابید.

واج‌آرایی: (.....)

حس‌آمیزی: (.....)

تشبیه: (.....)

۲. بخش مشخص‌شده در سروده‌ی زیر، بیانگر کاربرد کدام آرایهٔ ادبی است؟ دلیل خود را بنویسید.

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی، «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

ایران توشه
توشه راهت برای موفقیت

محمدرضا شفیعی کدکنی

1. واج‌آرایی: «مرا به گور سپاری مگو وداع وداع / که گور پرده جمعیت جنان باشد» (تکرار صامت‌های «گ» و «ر» و مصوت «و»). حس‌آمیزی: «غزل‌های گرم و پرسوز» (آمیختن حس شنوایی «غزل» و حس لامسه «گرم»). تشبیه: «آفتاب عشق و شمس حقیقت» یا «خورشید عمر مولانا» (عشق و عمر به خورشید مانند شده‌اند؛ اضافهٔ تشبیهی).

2. آرایهٔ «تضمین». دلیل: شفیعی کدکنی مصراع «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن» را که از غزل مولوی است، به همان صورت در سروده‌ی خود آورده و آن را درون نشانهٔ نقل‌قول گذاشته است؛ آوردن بخشی از سخن شاعری دیگر در شعر خود، تضمین نام دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۲۴ صفحه ۷۳ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱. دربارهٔ اصطلاحات «پیر» و «مراد» و پیوند آن با زندگی مولوی توضیح دهید.

۲. با توجه به متن درس، به اعتقاد مولانا، چه چیزی را باید مایهٔ دریغ و افسوس دانست؟

۳. کدام بیت درس، با این سروده‌ی حافظ، ارتباط معنایی دارد؟ پیام مشترک آنها را بنویسید.

چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

۴. بیت زیر، بیانگر چه دیدگاهی است؟

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟

چرا به دانهٔ انسانت این گمان باشد؟

۵. بر مبنای متن درس، خلق‌وخوی مولانا را با این آیات قرآن کریم که به حضرت موسی و حضرت هارون خطاب است، مقایسه کنید.

«اِذهَبا اِلی فِرعَونَ اِنَّهُ طَغی. فَقُولا لَهُ قَولًا لَیِّنًا ...» (سورهٔ طه، آیهٔ ۴۳ و ۴۴)

۶. .....

1. «پیر» به راهنمای سالک می‌گویند؛ کسی که راه و رسم سیروسلوک و معرفت الهی را پیموده و دیگران را هدایت می‌کند و «مراد» کسی است که مرید (رهرو) به او روی می‌آورد و پیروی از او را می‌خواهد. مولانا تا پیش از دیدار شمس، خود استاد و دانشمند علوم دینی بود و شاگردان و پیروان بسیار داشت؛ اما همواره در طلب مردان خدا بود. چون شمس‌الدین تبریزی را دید، او را پیر و مراد خود یافت؛ زانوی ادب در برابرش زد، تدریس و وعظ را رها کرد و نوآموز و مرید او شد.

2. از دید مولانا، مرگ مایهٔ دریغ نیست؛ مرگ رسیدن به وصال و آزادی جان است. آنچه سزاوار دریغ و افسوس است، گرفتار شدن در دام دیو (نفس و شیطان) و دور ماندن از حقیقت است: «به دام دیو درافتی دریغ آن باشد».

3. بیت «تو را غروب نماید ولی طلوع بود / لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد» (و نیز «دهان چو بستی از این سو، در آن طرف بگشا / که های و هوی تو در جوّ لامکان باشد») با بیت حافظ ارتباط دارد؛ مولانا قبر را «حبس» و مرگ را «خلاص جان» می‌داند و حافظ دنیا را «قفس» می‌شمارد. پیام مشترک: جان آدمی مرغی از باغ ملکوت و عالم بالاست و دنیا و تن برایش قفس است؛ پس عارف از مرگ نمی‌هراسد، بلکه آن را رهایی از قفس و بازگشت به اصل خود (گلشن رضوان) می‌داند.

4. این بیت بیانگر دیدگاه مولوی دربارهٔ مرگ و رستاخیز است: همان‌گونه که هر دانه‌ای که در دل خاک می‌رود، می‌روید و سر برمی‌آورد، انسان نیز با مرگ نابود نمی‌شود؛ مرگ پایان نیست و دریچه‌ای به زندگی دوباره و جاودانه است.

5. خداوند به موسی و هارون فرمان می‌دهد که نزد فرعون، آن طغیانگر، بروند و با او نرم و ملایم سخن بگویند. مولانا نیز طبق متن درس بردبار و دارای تحمل بسیار بود؛ طعن و ناسزای دشمنان را هرگز پاسخ تلخ نمی‌داد و با نرمی و حسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد. پس رفتار او با آموزهٔ قرآنی «قول لین» (سخن نرم) هم‌خوان است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۲۵ صفحه ۷۹ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی**

۱. مترادف هر واژه را بنویسید.

مفاتیح (.....)

مستقر (.....)

متمکّن (.....)

۲. از متن درس، چهار ترکیب وصفی که اهمیت املایی دارند، بیابید و بنویسید.

۳. نمونه‌ای از کاربرد نقش تبعی «بدل» را در متن مشخص کنید.

۴. در بند دوم درس، در کدام جمله‌ها، «مفعول» دیده می‌شود؟ «نهاد» این جمله‌ها را مشخص کنید.

1. مفاتیح: کلیدها (جمع مفتاح) مستقر: جای‌گرفته، ثابت و پابرجا متمکّن: توانگر، دارا و ثروتمند

2. ذوق لطیف - قصه‌های اصیل - سبک مسجع - فصول ملایم (نمونه‌های دیگر: مشیّت الهی، مسائل روزمره).

3. «این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، معلّم اوّل من ...»؛ در این جمله «پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی» و «معلّم اوّل من» بدل‌اند و دربارهٔ «این شیخ همیشه شاب» (سعدی) توضیح می‌دهند.

4. جمله‌های دارای مفعول در بند دوم: • «او نیز مانند مادرم توکّلی داشت»: مفعول: توکّلی؛ نهاد: او. • «(توکّلی) که به او مقاومت و استحکام اراده می‌بخشید»: مفعول: مقاومت و استحکام اراده؛ نهاد: «که» (توکّل). • «(منبع ایمان) که خوب و بد را ... می‌پذیرفت»: مفعول: خوب و بد؛ نهاد: «که» (منبع بی‌شائبهٔ ایمان). • «که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد»: مفعول: پیشامد ناگوار؛ نهاد: او (شناسهٔ فعل «بینگارد»).

۲۶ صفحه ۷۹ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. کدام عبارت درس، به ویژگی سهل و ممتنع بودن سبک سعدی اشاره دارد؟

۲. به بیت زیر از سعدی توجه کنید:

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

همان‌طور که می‌بینید واژه‌های «حاضر» و «غایب»، هم‌زمان، به پدیده‌ای واحد نسبت داده شده‌اند و به بیان دیگر، غایب، صفت حاضر، واقع شده است. به نظر شما چنین امری ممکن است؟

انسانی که حاضر است، نمی‌تواند غایب باشد؛ چون این دو صفت، متناقض‌اند؛ یعنی جمع شدن آنها با هم ناممکن است؛ چون هر یک، وجود دیگری را نقض می‌کند؛ با این‌حال، شاعر چنان آن دو را هنرمندانه، در کلام خود به کار برده است که زیبا، اقناع‌کننده و پذیرفتنی می‌نماید. به این‌گونه کاربرد مفاهیم متضاد، آرایهٔ «متناقض‌نما» (پارادوکس) می‌گویند.

آرایهٔ متناقض‌نما را در دو سروده‌ی «قیصر امین‌پور» بیابید.

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

ب) بارها از تو گفته‌ام از تو بارها از تو، بارها با تو

ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق! ای همه استعاره‌ها با تو

1. عبارت: «این تنها، خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ‌کس شبیه نباشد. در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم.» (سخن او ساده و آشناست، اما هیچ‌کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد.)

2. الف) «آرامشِ طوفانی»: آرامش و طوفان دو مفهوم متضادند که در یک ترکیب آمده‌اند. ب) «حقیقی‌ترین مجاز»: حقیقت و مجاز با هم ناسازگارند، اما شاعر عشق را هم‌زمان هر دو دانسته است. (پاسخ پرسش بالا: از نظر منطقی ممکن نیست، اما در هنر شاعری، پذیرفتنی و زیباست.)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۲۷ صفحه ۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. نویسنده برای قصه‌های ایرانی چه ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؟

۲. معنی و مفهوم جمله‌های زیر را بنویسید.

• سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد.

• از فرط هیجان لُکّه می‌دویدم.

۳. درک و دریافت خود را از عبارت زیر بنویسید.

هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیّت الهی می‌پذیرفت.

۴. دربارهٔ ارتباط بیت پایانی و متن درس توضیح دهید.

۵. .....

1. قصه‌های ایرانی «بسیار اصیل» و ریشه‌دارند؛ «پررنگ و نگار»، «پرّان» (پروازگونه و پرتخیل) و «نرم» هستند و از جهان افسانه‌ها آمده‌اند. این قصه‌ها را نسل‌به‌نسل از زبان بزرگ‌ترها (مادربزرگ و خاله) می‌شنیدند و برای کودک شیرین و جذاب بودند.
2. • سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد: خانهٔ کوچک ذهنم از فرط تصویر و خیال، پر و متورّم می‌شد؛ یعنی ذهنم از خواندن سعدی و دیدن تصویرها لبریز می‌گشت. • از فرط هیجان لُکّه می‌دویدم: از شدت شوق و شادی، مانند حیوانی خوش‌حال، با جست‌وخیز و بی‌اختیار می‌دویدم.
3. یعنی ذهن و روان خالهٔ نویسنده به ایمان متّصل بود و هر خوب و بد را خواست و حکمت خدا می‌دانست و می‌پذیرفت؛ به همین دلیل دچار بحران‌ها و اضطراب‌های عصبی نمی‌شد و در برابر ناگواری‌ها آرام و استوار می‌ماند.
4. نویسنده می‌گوید چون مربّی کارآزموده‌ای نداشت، تنها با آموختن از آثار بزرگ (به‌ویژه سعدی) و خودآموزی، به‌صورت کورمال‌کورمال، راه ادبیات را پیمود و همین ره‌نوردی تنهاوار او را به نوشتن رساند؛ بیت پایانی نیز بر همین خودآموزی و راه رفتن بی‌استاد تأکید دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲۸ صفحه ۸۵ درک و دریافت

۱. نوع ادبی متن روان‌خوانی را با ذکر دلیل بنویسید.

۲. دربارهٔ مناسبت مفهومی متن روان‌خوانی و عبارت زیر توضیح دهید.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

اَلعَبدُ یُدَبِّرُ وَاللّٰهُ یُقَدِّرُ.

1. نوع ادبی متن، «داستانی (روایی)» است؛ زیرا حادثه‌ای را از زبان راوی (اول‌شخص) بازگو می‌کند و شخصیت‌ها (نویسنده، حسین و دوستان)، زمان و مکان (بامداد بهاری در باغ) و رویداد (بستن پیمان دوستی) دارد. چون خاطره‌ای از دوران شاگردی است، می‌توان آن را «خاطره‌نویسی» از ادبیات زندگی نیز دانست.
2. معنای عبارت: «بنده تدبیر می‌کند و خدا تقدیر». در متن، دوستان هر یک آرزو و نقشه‌ای برای آینده دارند، اما پیرترین دوستشان یادآور می‌شود که «زندگانی آینده دستخوش تصادف و اتفاق است... چه بسا که تقدیر ما چیز دیگر باشد»؛ یعنی انسان برنامه می‌ریزد، ولی سرنوشت را خدا رقم می‌زند. پس برای اینکه پیوند دوستی در هر تغییر روزگار برقرار بماند، پیمان می‌بندند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

فارسی ۲ یازدهم - فصل پنجم

ادبیات انقلاب اسلامی

فهرست

۲۹ صفحه ۹۰ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — بانگ جرس ... ۳۳

۳۰ صفحه ۹۰ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — بانگ جرس ... ۳۳

۳۱ صفحه ۹۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — بانگ جرس ... ۳۴

۳۲ صفحه ۹۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — یاران عاشق ... ۳۴

۳۳ صفحه ۹۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — یاران عاشق ... ۳۵

۳۴ صفحه ۹۶ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — یاران عاشق ... ۳۶

۳۵ صفحه ۹۷ · درک و دریافت — شعرخوانی — صبح بی‌تو ۳۶

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۹ صفحه ۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

زنگ (.....) کوچ (.....) واجب گردانیدن (.....)

۲. در مصراع زیر «جولان» چه معنایی دارد؟

زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

۳. بیت زیر چند جمله است؟

گاه سفر آمد برادر، ره دراز است / پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است

۴. سه واژهٔ مهم املایی از متن درس بیابید و معادل معنایی آن‌ها را بنویسید.

۱. زنگ: **جرس**؛ کوچ: **رحیل**؛ واجب گردانیدن: **فرض**.

۲. «جولان» در این مصراع به معنی **تاخت‌وتاز** و تاختن با شتاب در میدان نبرد است (با توجه به «برانیم»، یعنی با شتاب پیش برویم و بتازیم؛ در این مصراع می‌توان به منطقهٔ جولان هم اشاره دانست).

۳. این بیت **پنج جمله** دارد: «گاه سفر آمد»، «ره دراز است»، «پروا مکن»، «بشتاب» و «همت چاره‌ساز است». («برادر» منادا و جزو جمله است و جملهٔ جدا شمرده نمی‌شود.)

۴. «رحیل» (کوچ‌کردن و سفر)، «فرض» (واجب و لازم)، «خاره» (سنگ خارا)، «جلودار» (پیشرو و پیشاپیش حرکت‌کننده)، «هامون» (دشت): هر سه‌تای آن‌ها را می‌توان نوشت؛ مثلاً: رحیل: کوچ؛ فرض: واجب؛ خاره: سنگ.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳۰ صفحه ۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. از متن درس برای هر یک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

جناس همسان (تام): .....

جناس ناهمسان (ناقص): .....

۲. مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

برگ سفر بر باره بستن (.....) علم بر دوش گرفتن (.....)

۱. **جناس همسان (تام):** «گاه» در «گاه سفر آمد» (به معنی وقت و هنگام) و «گاه» در «بوسه‌گاه» (به معنی جا و مکان). **جناس ناهمسان (ناقص):** «تنگ» و «ننگ» در بیت «تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر / بر جای ما بیگانه ننگ است ای برادر» (تفاوت در یک حرف آغازین).

۲. «برگ سفر بر باره بستن»: کنایه از آماده شدن برای سفر (در این شعر آمادهٔ حرکت و مبارزه‌شدن). «علم بر دوش گرفتن»: کنایه از پرچم‌داری و رهبری و پیشاپیش حرکت کردن و مسئولیت مبارزه را بر عهده گرفتن.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳۱ صفحه ۹۱ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. در بیت زیر، منظور شاعر از فرعونیان و قبطیان و موسی (ع) چیست؟

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است

۲. معنی و مفهوم بیت پنجم را به نثر روان بنویسید.

۳. آیا می‌توان شعر بانگ جرس را نوعی حماسه دانست؟ چرا؟

۴. مقصود از مصراع «پا در رکاب راهوار خویش دارند» چیست؟

۵. در مصراع «تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید» منظور شاعر از تخت و نگین و اهریمن چیست؟

1. **فرعونیان و قبطیان:** حاکمان ستمگر و دشمنان و پیروان آنان (نمادی از دشمنان انقلاب و نظام ستمگر و استکبار). **موسی (ع):** رهبر الهی و مبارزی که ملت را رهبری می‌کند (اشاره به رهبر انقلاب). **نیل:** دشواری‌ها و موانع راه که با یاری خدا از آن‌ها عبور می‌شود. مفهوم: سرزمین ما پر از دشمنان ستمگر است، اما رهبری الهی پیشاپیش حرکت می‌کند و باید از موانع گذشت.
2. زمان سفر فرا رسیده است؛ بیایید بر اسب‌های خود سوار شویم و پیش برویم و بتازیم تا به وادی مقدس (وادی ایمن؛ مقصد و آرمان والا) برسیم؛ یعنی زمان حرکت و قیام برای رسیدن به هدف مقدس فرا رسیده است.
3. بله؛ زیرا موضوع آن مبارزه و جنگ با دشمن و ستمگران است، سرشار از شجاعت و ایثار و آمادگی برای جان‌بازی است («گر تیغ بارد، گو ببارد، جان سپر کن»)، واژه‌های رزمی (تیغ، باره، رکاب، تاختن، جلودار، شهید) و لحن رجزگونه و پرشور دارد و از شخصیت‌ها و اسطوره‌های دینی (موسی و فرعون) و فداکاری شهدا یاد می‌کند.
4. کنایه از آمادگی کامل برای حرکت و سفر (و در این شعر برای قیام و مبارزه) است؛ یعنی دلاوران دریادل پا در رکاب اسب خود گذاشته و آمادهٔ رفتن‌اند.
5. «تخت و نگین» نمادی از قدرت و حکومت و سلطنت است؛ «اهریمن» استعاره از دشمن ستمگر و حکومت طاغوتی و بدخواهان و استکبار است. یعنی باید قدرت و حکومت را از دست ستمگران و بدخواهان پس گرفت.

۳۲ صفحه ۹۴ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

منکر آیینه باشد چشم کور / دشمن آیینه باشد روی زرد (عمادی شهریاری)

ای داور زمانه، ملوک زمانه را / جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست (مسعود سعد سلمان)

۲. همان‌طور که می‌دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می‌رود. واژه‌ای که وصف می‌شود، موصوف نام دارد. مثال: کتاب خواندنی (کتاب: موصوف، خواندنی: صفت)

به پرکاربردترین صفت‌های بیانی توجه کنید:

مطلق: پاک، خوشحال، خطرناک

فاعلی: اسم/صفت + گر: ستمگر، روشنگر؛ اسم/صفت + بن مضارع: خداشناس، راستگو؛ بن مضارع + ـنده: سازنده، درخشنده؛ بن مضارع + ـا: گویا، کوشا؛ بن مضارع + ـان: خندان، تابان؛ بن ماضی/بن مضارع + ـگار: آفریدگار، آموزگار؛ بن ماضی + ـار: خریدار، خواستار؛ اسم/بن/صفت + ـگر: زرگر، توانگر، روشنگر

مفعولی: بن ماضی + ـه (ـَ/ـه): پرورده، شکسته

لیاقت: مصدر + ـی: آشامیدنی، ستودنی

نسبی: اسم + ـی: آسمانی، نارنجی؛ اسم + ـین: امروزین، آهنین؛ اسم + ـینه: سیمینه، چرمینه؛ اسم + ـانی: روحانی، عقلانی؛ اسم + ـانه: کودکانه، سالانه

اکنون مانند نمونه، جدول را کامل کنید.

جدول: ستون‌ها: فعل، بن مضارع، صفت فاعلی، صفت لیاقت، صفت مفعولی. نمونه: نوشت – نویس – نویسنده – نوشتنی – نوشته. ردیف خالی با فعل «خواندم» است که باید کامل شود.

1. بیت نخست: «منکر» = انکارکننده، نپذیرنده. بیت دوم: «ملوک» = پادشاهان؛ «ارادت» = خواست و اراده؛ «مدار» = مسیر (معمولاً دایره‌ای شکل).

2. جدول تکمیل‌شده:

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
نوشت	نویس	نویسنده	نوشتنی	نوشته
خواندم	خوان	خواننده	خواندنی	خوانده

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۳ صفحه ۹۵ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی**

۱. از متن درس، برای هر یک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونهٔ مناسب بیابید و بنویسید.

تشبیه: (.....)

متناقض‌نما: (.....)

۲. شعر «یاران عاشق» را از نظر قالب و مضمون، با شعر «زاغ و کبک» مقایسه کنید.

1. **تشبیه:** مثلاً در عبارت‌هایی مانند «لاله‌ها»= شهیدان که شهید به لاله مانند شده است (شهیدان چون لاله‌اند)؛ **متناقض‌نما:** مانند «خاموشی ما فریاد است» (خاموشی و فریاد با هم ناسازگار می‌نمایند ولی معنی درستی دارند: سکوت و ایثار عاشقان خود بلندترین پیام است).

2. **قالب:** «زاغ و کبک» مثنوی است (هر بیت قافیهٔ جداگانه دارد) ولی «یاران عاشق» غزل‌گونه است و قافیه و ردیف در سراسر شعر تکرار می‌شود. **مضمون:** «زاغ و کبک» داستانی و تمثیلی است و دربارهٔ نکوهش تقلید کورکورانه و ازدست‌دادن هویت است؛ اما «یاران عاشق» شعر انقلاب و دفاع مقدس است و دربارهٔ ایثار و شهادت و پاس‌داشت یاد شهیدان و عشق و وفاداری به آرمان‌هاست. لحن اولی آموزشی و طنزآلود و لحن دومی عاطفی و حماسی است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۳۴ صفحه ۹۶ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. در بیت سوم، مقصود از یاران عاشق، چه کسانی است و به کدام ویژگی آن‌ها اشاره شده است؟

۲. در بیت آخر، بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟

۳. نخست، مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس برای هر یک، بیتی متناسب از متن درس بیابید.

الف) ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (سعدی)

ب) چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید / عشقید، که از کرب و بلایید (حمید سبزواری)

1. مقصود از «یاران عاشق»، **شهیدان و رزمندگان راه حق** است؛ ویژگی آن‌ها شهادت‌طلبی و جان‌فشانی و آمادگی برای ایثار (کفن خونین بر تن کردن و جان را در راه عشق و آرمان دادن) است.
2. بر **ایثار و شهادت‌طلبی** و وفاداری به آرمان‌های شهیدان و پاس‌داشت یاد و راه آنان (حمایت از «لاله‌ها»، یعنی شهیدان) تأکید شده است.
3. **الف)** مفهوم: عاشق واقعی در راه معشوق بی‌ادعا و بی‌هیاهو جان می‌بازد و خود را فدا می‌کند و از او نشانی (فریاد و ادعا) بر جا نمی‌ماند؛ ای مدعی عشق، از پروانه عاشقی بیاموز. بیت متناسب از متن درس: بیتی که از خاموشی و فداکاری بی‌ادعای عاشقان و شهیدان سخن می‌گوید («عاشقی را رعایت کنیم»). **ب)** مفهوم: شما عاشقان راه حق هستید و از هیچ سختی و خطر (تیر و تیغ) روی برنمی‌گردانید و در برابر مصیبت‌ها پایدارید. بیت متناسب از متن درس: «از آن‌ها که خونین‌کفن کرده‌اند» (شهیدانی که بی‌هراس از خطر، جان بر کف آمدند).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۳۵ صفحه ۹۷ | درک و دریافت — شعرخوانی

۱. در خوانش این سروده، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

۲. «انتظار موعود» یکی از مایه‌های ادبیات انقلاب اسلامی است؛ بر این مبنا، متن شعرخوانی را بررسی کنید.

1. لحن شعر غمگین، آرام و آمیخته با دلتنگی و حسرت است؛ باید با آهنگی نرم و شمرده بخوانیم، در جاهایی که حرف از دوری و بی‌تو بودن است صدا را اندکی پایین و آهسته کنیم و در بیت‌های امیدبخش پایانی که از آمدن موعود و پایان انتظار می‌گوید لحن را روشن‌تر و امیدوارانه‌تر بیاوریم. همچنین به مکث‌ها و نشانه‌گذاری، تکرار «بی‌تو» و وزن و موسیقی شعر باید توجه کنیم.
2. شاعر در این شعر از زبان کسی سخن می‌گوید که در انتظار آمدن «موعود» (امام زمان «عج») است و دوری او را حس می‌کند: صبح و جمعه (آدینه، روز انتظار و دیدار) بدون او رنگ و بوی شادابی ندارد، جهان و طبیعت (غنچه و آینه و قاصدک) نیز چشم‌به‌راه‌اند و همه چیز منتظر آمدن او تا جهان از ظلم و تاریکی پاک شود؛ در عین حال، شعر امید و شوق به آمدن و دیدار او را نشان می‌دهد. این همان مایهٔ «انتظار موعود» است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فارسی ۲ یازدهم - فصل ششم

ادبیات حماسی

فهرست

۳۶ صفحه ۱۰۶ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه ... ۳۹

۳۷ صفحه ۱۰۷ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه ... ۴۰

۳۸ صفحه ۱۰۷ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه ... ۴۰

۳۹ صفحه ۱۱۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس چهاردهم: حملهٔ حیدری ... ۴۱

۴۰ صفحه ۱۱۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس چهاردهم: حملهٔ حیدری ... ۴۲

۴۱ صفحه ۱۱۶ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس چهاردهم: حملهٔ حیدری ... ۴۲

۴۲ صفحه ۱۱۷ · درک و دریافت — شعرخوانی: وطن ۴۳

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱. در متن درس، هر یک از واژه‌های زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟

هنر (.....) محضر (.....)

درای (.....) منزل (.....)

۲. در بیت زیر، کلمهٔ «گر» در چه معنایی به کار رفته است؟

تو شاهی و گر اژدها پیکری / بباید زدن داستان، آوری

۳. واژه‌ها و معنای آن‌ها همیشگی و ماندگار نیستند. ممکن است در گذر زمان، برای هر واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:

الف) به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شود؛ مانند: «فتراک و برگستوان»

ب) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شود؛ مانند: «کثیف و سوگند»

پ) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دهد؛ مانند: «شادی و خنده»

ت) هم معنای قدیم خود را حفظ کند و هم معنای جدید گیرد؛ مانند: «سپر و یخچال»

هر یک از واژه‌های زیر، مشمول کدام وضعیت‌های چهارگانه شده‌اند؟

پذیرش (.....) سوفار (.....)

رکاب (.....) شوخ (.....)

---

1. **هنر:** فضیلت، استعداد، شایستگی و لیاقت. **محضر:** استشهادنامه؛ نوشته‌ای که ضحاک برای تبرئهٔ خود به امضای بزرگان حکومت رسانده بود. **درای:** پتک (در اصل «زنگ کاروان» است؛ در متن، ضربهٔ پتک آهنگران را «زخم درای» گفته‌اند). **منزل:** مرحله؛ هر یک از مراحل راه (در «منزل به منزل»).
2. «گر» در این بیت به معنای «اگرچه / هرچند / حتی اگر» (حرف ربط پیوند ناهمپایه با معنای تقابل) است: «تو شاهی، هرچند که اژدهاپیکر هستی، باید برایت دلیل و داستانی بیاوری (باید پاسخ‌گو باشی).»
3. **پذیرش:** «پ» (با همان معنای قدیم ادامه یافته است: قبول کردن). **سوفار:** «الف» (بخشی از تیر که بر زه کمان می‌نشیند؛ با از میان رفتن تیر و کمان از زندگی روزمره، از فهرست واژگان حذف شده است). **رکاب:** «ت» (هم معنای قدیم: حلقهٔ فلزی زیر پای سوار بر زین؛ هم معنای جدید: رکاب زدن در دوچرخه و دوچرخه‌سواری). **شوخ:** «ب» (در گذشته به معنای گستاخ و بی‌شرم و چرکین بوده و اکنون به معنای بامزه و بذله‌گو به کار می‌رود).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۷ صفحه ۱۰۷ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. برای هر یک از ویژگی‌های شعر حماسی، نمونه‌ای از متن درس انتخاب کنید.

زمینهٔ ملی / زمینهٔ قهرمانی

۲. بیت پنجم درس را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

۳. هر یک از واژه‌های مشخص شده، مجاز از چیست؟

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه

ز چرمی که آهنگران پشت پای / بپوشند هنگام زخم درای

۴. در بیت زیر، «درفش کاویان» در کدام مفهوم نمادین به کار رفته است؟

تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا زان پس / به هر جانب که روی آری، درفش کاویان بینی (سنایی)

1. **زمینهٔ ملی:** داستان، سرگذشت یک ملت را بازمی‌گوید؛ برافراشتن «درفش کاویان» که پرچم ملی ایرانیان است، قیام مردم ایران علیه ضحاک ستمگر و به‌پادشاهی رسیدن فریدون، همه زمینهٔ ملی دارند. **زمینهٔ قهرمانی:** دلاوری و دادخواهی کاوه که در برابر پادشاه ستمگر می‌ایستد، محضر دروغین را پاره می‌کند و مردم را به قیام فرامی‌خواند، و پهلوانی فریدون که با گرز گاوسر بر ضحاک پیروز می‌شود.
2. «چنان بد که ضحاک را روز و شب / به نام فریدون گشادی دو لب»: **تضاد:** «روز» و «شب»؛ **کنایه:** «روز و شب» کنایه از همیشه و «گشادن لب» کنایه از سخن گفتن؛ **جناس ناقص (قافیه):** «شب» و «لب»؛ **تلمیح:** اشاره به داستان فریدون و پیش‌بینی خواب ضحاک دربارهٔ فریدون که بیم او را ایجاد کرده بود. همچنین «به نام فریدون لب گشادن» یعنی ضحاک پیوسته از ترس، نام فریدون را به زبان می‌آورد.
3. «بازارگاه»: مجاز از مردم بازار (علاقهٔ مکانیه / محلیه)؛ «درای»: مجاز از پتک یا ابزار آهنگری، و «زخم درای» مجاز از کار و ضربهٔ آهنگران است؛ (در بیت دوم «پشت پای» به معنای روی پا است).
4. «درفش کاویان» در این بیت نماد **پیروزی، کامیابی و رستگاری** است؛ یعنی اگر یک لحظه مانند فریدون دلاور و پیروز باشی، پس از آن در هر سو پیروزی از آنِ تو خواهد بود. در متن درس، نماد قیام علیه ستم و پیروزی حق بر بیداد نیز هست.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳۸ صفحه ۱۰۷ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. معنی و مفهوم بیت بیست‌ونهم را به نثر روان بنویسید.

۲. ماران را که بر دوش ضحاک روییدند، مظهر چه خصلت‌هایی می‌توان دانست؟

۳. انگیزهٔ کاوه در قیام علیه ضحاک چه بوده است؟

۴. با توجه به متن درس، «پایمردان دیو»، چه کسانی بودند؟ شخصیت آن‌ها را تحلیل کنید.

1. کاوه که از خشم می‌لرزید، فریادزنان از جای خود برخاست، محضر دروغین را که بزرگان به نفع ضحاک امضا کرده بودند، پاره کرد و آن را زیر پای خود له کرد (نمادی از نپذیرفتن ظلم و بیزاری از همدستان ستمگر).
2. ماران، مظهر خوی اهریمنی و شیطانی ضحاک و نشانهٔ ستمگری، بیدادگری، خون‌ریزی، آزمندی، قساوت و منش خبیث او هستند؛ همان‌گونه که مار در اساطیر ایران نماد اهریمن است. این مارها، که از دوش ضحاک می‌رویند، مایهٔ رنج او نیز می‌شوند؛ یعنی بدی، سرانجام به خود بدکار آسیب می‌رساند.
3. ضحاک هر شب مغز دو جوان را برای خوراک ماران می‌خواست؛ کاوه هفده پسر خود را از دست داده بود و اکنون فرزند آخرش را هم می‌بردند. بنابراین انگیزهٔ او افزون بر درد شخصی و پدری، دادخواهی برای همهٔ مردم ستم‌دیده و رهایی از بیداد ضحاک بود.
4. «پایمردان دیو»، بزرگان، موبدان و مهتران درباری بودند که از ترس یا طمع، محضر دروغین را که ضحاک را دادگر نشان می‌داد امضا کردند و به این ترتیب با حکومت ستمگر همکاری کردند و بیدادگری را توجیه نمودند. آنان افرادی ترسو، فرصت‌طلب، سازشکار، چاپلوس و بی‌اعتنا به حقیقت و مردم بودند؛ برخلاف کاوه که مردی شجاع، آزاده و حق‌خواه است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۳۹ صفحه ۱۱۵ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی**

۱. معادل معنایی واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

اسب (.....) اجازه (.....) شیر (.....)

۲. چهار واژهٔ مهم املایی از متن درس انتخاب کنید و بنویسید.

۳. در بیت بیست‌ویکم، گروه‌های اسمی و هستهٔ هر یک را مشخص کنید.

1. **اسب:** ابرش؛ **اجازه:** دستوری؛ **شیر:** غضنفر (و نیز هژبر).
2. غزا، غضنفر، هژبر، خدو (آب دهان)، حبیب، امتناع، ضرب، سهمگین، ژیان، منزه.
3. با توجه به اینکه بیت بیست‌ویکم به لقب‌ها و توصیف‌های امام علی(ع) می‌پردازد، گروه‌های اسمی آن چنین‌اند: «علی» (هسته: علی)، «شیر حق» (هسته: شیر؛ «حق» مضاف‌الیه)، «وصی نبی» (هسته: وصی؛ «نبی» مضاف‌الیه)، «شجاع غضنفر / غضنفر» (هسته: غضنفر؛ «شجاع» صفت).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴۰ صفحه ۱۱۵ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. در متن درس، دو نمونه «استعاره» بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

۲. مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

دندان به دندان خاییدن (.....)

رنگ باختن (.....)

۳. دو نمونه از کاربرد آرایهٔ «اغراق» در متن درس بیابید.

1. **اژدها:** استعاره از عمرو بن عبدود (دشمنی نیرومند و هولناک)؛ **شیر / غضنفر / هژبر:** استعاره از امام علی(ع) (نماد شجاعت و دلیری).
2. **دندان به دندان خاییدن:** کنایه از خشمگین شدن و بسیار برآشفتن؛ **رنگ باختن:** کنایه از ترسیدن و رنگ‌پریدگی از ترس و شکست.
3. ۱) ترسیدن شیطان و لرزیدن بت‌خانه‌ها در فرنگ و رنگ‌پریدن کفر در هند از ضربهٔ شمشیر علی، در بیت «چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ ... پرید از رخ کفر رنگ، تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ»؛ ۲) توصیف عمرو به‌صورت کوهی از فولاد و ترس همهٔ جنگاوران از او، و نیز ضربت علی که در پهنهٔ جهان لرزه می‌افکند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴۱ صفحه ۱۱۶ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. معنی و مفهوم بیت ششم را به نثر روان بنویسید.

۲. پیام ابیات زیر را بنویسید.

چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ / به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

پرید از رخ کفر، رنگ / تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

۳. داستان زیر را که از مثنوی مولوی انتخاب شده است، به لحاظ محتوا با درس مقایسه کنید.

از علی آموز اخلاص عمل / شیر حق را دان منزه از دغل

در غزا بر پهلوانی دست یافت / زود شمشیری برآورد و شتافت

او خدو انداخت در روی علی / افتخار هر نبی و هر ولی

در زمان انداخت شمشیر آن علی / کرد او اندر غزایش کاهلی

گشت حیران آن مبارز زین عمل / وز نمودن عفو و رحم بی‌محل

گفت بر من تیغ تیز افراشتی / از چه افکندی مرا بگذاشتی؟

گفت: من تیغ از پی حق می‌زنم / بندهٔ حقم نه مأمور تنم

شیر حقم نیستم شیر هوا / فعل من بر دین من باشد گوا

1. هیچ‌یک از جنگجویان در برابر عمرو، که چون کوهی از فولاد و اژدهایی خشمگین بود، جرئت رویارویی نداشتند؛ همه از ترس سرها را فرو افکنده بودند و جز علی(ع) کسی داوطلب نبرد با او نشد. (این بیت توصیف ترس و سکوت سپاه و جدا شدن علی از دیگران به‌دلیل ایمان و شجاعت اوست.)
2. وقتی علی(ع) که شیر خداست، شمشیر را بر دشمن فرود آورد، شیطان از ناامیدی و حسرت دست‌هایش را بر هم زد (دست دریغ بر سر کوفت) و رنگ از چهرهٔ کفر پرید و بت‌خانه‌ها لرزید. پیام: پیروزی حق بر باطل، شکوه و توانایی علی(ع) در یاری دین، و ناتوانی و شکست کفر و شرک در برابر ایمان و دلاوری.
3. **همانندی:** هر دو متن دربارهٔ نبرد علی(ع) با دشمن و ماجرای انداختن آب دهان بر چهرهٔ آن حضرت‌اند؛ در هر دو علی(ع) شمشیر را به‌خاطر خدا می‌زند، نه از سر خشم و انتقام شخصی؛ و شجاعت و بزرگواری او نمایان است. **تفاوت:** در «حملهٔ حیدری» تمرکز بر توصیف حماسی نبرد و دلاوری‌های علی(ع) و شکست دشمن است (ادبیات حماسی)؛ در مثنوی مولوی، ماجرا ابزاری برای آموزش اخلاص در عمل و دوری از «شیر هوا» شدن است (ادبیات تعلیمی و عرفانی) و دشمن پس از رفتار علی(ع) حیران می‌شود. پیام مشترک: کار باید برای خدا باشد، نه برای نفس و هوس.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴۲ صفحه ۱۱۷ درک و دریافت

۱. دربارهٔ لحن و آهنگ خوانش این سروده توضیح دهید.

۲. یکی از بیت‌ها را به دلخواه انتخاب کنید و پیام کلی آن را بنویسید.

1. این شعر، سروده‌ای حماسی و میهنی است؛ بنابراین باید آن را با لحنی رسا، پرشور، استوار و قاطع، با صدای بلند و ضرباهنگ تند و محکم خواند. بر واژه‌های کلیدی مانند «وطن»، «جان»، «فدا» و «وفا» تأکید می‌کنیم و در پایان بیت‌ها با لحن قاطع و اطمینان‌بخش مکث می‌کنیم تا شور و عشق به میهن و آمادگی برای فداکاری منتقل شود.
2. بیتی که در آن شاعر می‌گوید جان خود را فدای وطن می‌کند: «جان و دل و خون خود را در راه وطن نثار می‌کنم و بر پیمان وفاداری خود پایدارم.» پیام کلی: دلبستگی عمیق به میهن، وفاداری به پیمان با آن و آمادگی برای جان‌فشانی و فداکاری در راه حفظ سرزمین و ملت.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

فارسی ۲ یازدهم - فصل هفتم

ادبیات داستانی

فهرست

۴۳ صفحه ۱۲۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس پانزدهم: کبوتر طوقدار ... ۴۵

۴۴ صفحه ۱۲۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس پانزدهم: کبوتر طوقدار ... ۴۵

۴۵ صفحه ۱۲۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس پانزدهم: کبوتر طوقدار ... ۴۶

۴۶ صفحه ۱۳۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس شانزدهم: قصهٔ عینکم ... ۴۷

۴۷ صفحه ۱۳۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس شانزدهم: قصهٔ عینکم ... ۴۸

۴۸ صفحه ۱۳۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس شانزدهم: قصهٔ عینکم ... ۴۸

۴۹ صفحه ۱۳۹ · درک و دریافت — روان‌خوانی: دیدار ۴۹

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۳ صفحه ۱۲۳ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. دربارهٔ کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله‌های زیر توضیح دهید.

گرازان به تگ ایستاد.

صیاد در پی ایشان ایستاد.

۲. چهار واژهٔ مهم املایی از متن درس بیابید و معادل معنایی آن‌ها را بنویسید.

۳. در زبان معیار، حذف شناسهٔ فعل ممکن نیست. در گذشته، گاه، در یک جمله، شناسه به قرینهٔ فعل قبلی حذف می‌شد.

نمونه: شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید.

در جملهٔ بالا فعل «رهانید» به جای «رهانیدند» آمده است.

حال از متن درس نمونه‌ای دیگر برای حذف شناسه بیابید و بنویسید.

---

۱. «ایستاد» در جملهٔ نخست (گرازان به تگ ایستاد) به معنای «آغاز کرد، به راه افتاد و شروع به دویدن کرد» است؛ یعنی صیاد شادمان شد و با شتاب به سوی کبوتران دوید. در جملهٔ دوم (صیاد در پی ایشان ایستاد) به معنای «پافشاری و پایداری کرد و در تعقیب کبوتران ماند» است. پس در هر دو جمله، «ایستاد» به معنای «توقف کردن» نیست و معنای مجازی دارد.

۲. متواتر: پی‌درپی، پیوسته؛ اختلاف: رفت‌وآمد؛ مطاوعت: فرمان‌برداری، اطاعت؛ استخلاص: رهایی یافتن، رهانیدن؛ (نمونهٔ دیگر: تعاون: همیاری و کمک به یکدیگر).

۳. «کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکندند و سر خویش گرفت» (گرفت به جای «گرفتند»)؛ شناسهٔ فعل «گرفتند» به قرینهٔ دو فعل پیشین («بکردند» و «برکندند») حذف شده است.

---

۴۴ صفحه ۱۲۳ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. تشبیهات را در بیت‌های زیر بیابید و در هر مورد، «مشبه» و «مشبه‌به» را مشخص کنید.

درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جان‌ش داغی

شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد، جام باده

۲. در عبارت زیر، «استعاره» را بیابید.

چون او را در بند بلا بسته دید، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند.

۳. از متن درس، کنایه‌های معادل مفاهیم زیر را بیابید.

انسان باتجربه (.....)

ناامید شدن (.....)

۱. بیت نخست: «لاله» (مشبه) به «چراغ» (مشبه‌به) مانند شده است (ادات: چون؛ وجه شبه: درخشانی و روشنی). بیت دوم: «شقایق» (مشبه) که روی یک ساقه (پا) ایستاده، به «جام باده» (مشبه‌به) مانند شده است (ادات: چو؛ وجه شبه: سرخی و شکل جام). همچنین «شاخ زمرد» اضافهٔ تشبیهی است (شاخ سبز مانند زمرد).

۲. «جوی‌ها»: استعاره از «اشک‌ها»؛ یعنی اشک فراوان او چون جوی‌ها بر چهره روان شد (مشبه‌به، «جوی»، آمده و مشبه، «اشک»، حذف شده است).

۳. انسان باتجربه: «گرم و سرد روزگار دیده»؛ ناامید شدن: «دل برگرفتن» (دل از ما برنگیرد؛ نظر او از ما منقطع گردد).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴۵ صفحه ۱۲۴ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱. معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

در وقت فراغ موافقت اولیتر، و اِلّا طاعنان مجال وقیعت یابند.

۲. مفهوم قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید.

الف) مرا نیز از عهدهٔ لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید.

ب) مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی‌باشد و آن را بر خود حقی نمی‌شناسی؟

۳. هر یک از بیت‌های زیر با کدام قسمت درس ارتباط مفهومی دارد؟

نبینم رهایی ز بند / مرو به تنها و یارانم اندر کمند (سعدی)

دوستان را به گاه سود و زیان / بتوان دید و آزمود، توان (سنایی)

۴. دو شخصیت زیر را بر مبنای این داستان تمثیلی تحلیل نمایید و ویژگی‌های شاخص آن‌ها را بنویسید.

زاغ:

مطوقه:

۱. همان‌گونه که در هنگام گرفتاری و سختی در کنار هم بودیم، در زمان آسایش و آرامش نیز همراهی و دوستی با یکدیگر شایسته‌تر است؛ وگرنه بدگویان و عیب‌جویان فرصت بدگویی و سرزنش می‌یابند.

۲. الف) من نیز که رهبر و سرور کبوتران هستم، باید وظایف و مسئولیت‌های رهبری را به‌جا آورم و حقوقی را که یاران بر گردن من دارند ادا کنم؛ رهبر باید مسئولیت‌پذیر باشد و پیش از خود به فکر یاران خود باشد.

ب) مگر تو برای خودت به رهایی نیازی نداری و برای خود حقی قائل نیستی؟ (موش از مطوقه می‌پرسد چرا ابتدا به فکر آزادی خود نیست؛ یعنی هر کس باید به جان و حق خود نیز توجه کند.)

توشه ای برای موفقیت

۳. بیت سعدی با سخن مطوقه ارتباط دارد که می‌گوید: «نخست از آن یاران بگشای»؛ او نمی‌خواهد تنها رها شود و یارانش در بند بمانند. بیت سنایی با پایان داستان و سخن موش ارتباط دارد که می‌گوید: «عادت اهل مکرمت این است که ... دوستی تو را در سختی آزمودم و محبت دوستان به کرم عهد تو بیفزاید»؛ یعنی وفاداری مطوقه به یاران در گرفتاری، دوستی را آزمود و استوارتر کرد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴. زاغ: محتاط و دوراندیش است («من باری جای نگه دارم و مینگرم تا چه کند»)، با دقت رویدادها را می‌نگرد و از تجربهٔ دیگران برای دفع خطر درس می‌گیرد؛ کنجکاو و باهوش است.

مطوقه: رهبری دلسوز، مسئولیت‌پذیر و فداکار است؛ یاران را بر خود مقدم می‌دارد، در گرفتاری آرامش خود را حفظ می‌کند و با تدبیر و چاره‌اندیشی (تعاون و کمک گرفتن از موش دوست) یاران را نجات می‌دهد؛ وفادار و خیرخواه است.

---

۴۶ صفحه ۱۳۲ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی**

۱. معادل معنایی واژه‌های مشخص‌شده را در متن درس بیابید.

به دیدن تو چنان خیره‌ام که نشناسم / تفاوت است اگر راه و چاه را حتی (محمدعلی بهمنی)

تو را به آینه‌داران چه التفات بود / چنین که شیفتهٔ حسن خویشتن باشی (هوشنگ ابتهاج)

۲. از متن درس، پنج گروه اسمی بیابید که اهمیت املایی داشته باشند.

۳. پیش از این در مبحث گروه اسمی، با انواع وابسته‌های پیشین آشنا شدیم. اینک به انواع وابسته‌های پسین توجه کنید:

مضاف‌الیه: روز میلاد

صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم (با پسوند «ـُم»): روز پنجم

صفت بیانی: روز خوب، منظرهٔ دیدنی

از متن درس، برای هر یک از انواع وابستهٔ پسین نمونه‌ای بیابید.

توشه‌ای برای موفقیت

---

۱. خیره (متحیر و مبهوت) ← «حیرت‌زده»، «مات و مبهوت»؛ التفات ← «توجه»؛ شیفته ← «مسحور».

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲. سوءظن پیرمرد؛ تجزیه و ترکیب عربی؛ لهجهٔ غلیظ شیرازی؛ نوحه‌سرایی برای زنان؛ خفت دیروز (نمونه‌های دیگر: عینک‌ساز، مغتنم، مسحور کار).

۳. مضاف‌الیه: «دسته‌های عینک»، «لهجهٔ شیرازی»؛ صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم: «ردیف ششم»، «ردیف دهم»؛ صفت بیانی: «پیرمرد شوخ»، «دنیای جدید»، «عینک کهنه».

۴۷ صفحه ۱۳۲ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی**

۱. مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

افسارگسیخته بودن (.....)

بور شدن (.....)

۲. دو ویژگی برجستهٔ نثر این داستان را بنویسید.

۳. این داستان را با توجه به عناصر زیر بررسی کنید.

زاویهٔ دید:

شخصیت اصلی:

نقطهٔ اوج:

۱. افسارگسیخته بودن: بی‌بندوبار، بی‌مبالات و بی‌ملاحظه بودن (در متن: شلخته و بی‌توجه به جلوی پا)؛ بور شدن: شرمنده، خجل و سرافکنده شدن.

۲. الف) نثر ساده، روان و نزدیک به زبان گفتار و محاوره است و واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه و حتی لهجهٔ شیرازی در آن به کار رفته است؛ ب) نثر طنزآمیز و پر از توصیف‌های جزئی، تشبیه‌ها و کنایه‌های عامیانه و جمله‌های کوتاه است که داستان را شیرین و گیرا کرده است.

۳. زاویهٔ دید: اول‌شخص (من‌راوی)؛ راوی خود شخصیت اصلی است و ماجرا را از دید خودش بیان می‌کند.

شخصیت اصلی: راوی، پسری نیمه‌کور و شیطان که از ضعف بینایی خود خبر ندارد و به‌ناحق به بی‌استعدادی و ولنگاری متهم می‌شود.

نقطهٔ اوج: لحظه‌ای که راوی در ردیف آخر کلاس، عینک کهنهٔ پیرزن را به چشم می‌گذارد، شاگردان به او می‌خندند، معلم عربی خشمگین می‌شود و او را از کلاس بیرون می‌کند.

۴۸ صفحه ۱۳۳ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱. راوی داستان، چه چیزی را نشانهٔ تمدن و تجدد می‌دانست؟

۲. نحوهٔ برخورد خانواده و اطرافیان با شخصیت اصلی داستان را بررسی و تحلیل کنید.

۳. دربارهٔ نقش خودباوری و اعتمادبه‌نفس در تعامل اجتماعی توضیح دهید.

۱. راوی تا کلاس هشتم گمان می‌کرد عینک مانند کراوات، چیزی فرنگی‌مآبانه و متجددانه است که مردان متمدن برای قشنگی به چشم می‌گذارند.

۲. چون هیچ‌کس از نیمه‌کوری او خبر نداشت، رفتارش را نشانهٔ بی‌دقتی و بی‌استعدادی می‌دانستند: پدر بد و بیراه می‌گفت، مادر او را شماتت می‌کرد و به «شتر افسارگسیخته» مانند می‌کرد، هم‌بازی‌ها او را می‌خندیدند و معلم و مدیر نیز او را شیطان و بدجنس پنداشتند و تصمیم به اخراجش گرفتند. این برخوردها نتیجهٔ قضاوت عجولانه و نداشتن همدلی است؛ اگر اطرافیان به‌جای سرزنش، دلیل رفتار او را جست‌وجو می‌کردند، مشکل زودتر حل می‌شد.

۳. خودباوری و اعتمادبه‌نفس سبب می‌شود فرد مشکل و نیاز خود را بی‌هراس بیان کند و در تعامل با دیگران، سوءتفاهم‌ها را برطرف سازد. راوی تا زمانی که مشکل خود را نمی‌دانست و بیان نمی‌کرد، مورد سرزنش بود؛ اما وقتی با اعتماد و صداقت ماجرای نیمه‌کوری‌اش را گفت، دیگران او را درک کردند و مشکلش حل شد. افراد با اعتمادبه‌نفس بهتر می‌توانند از حق خود دفاع کنند و ارتباط مؤثرتری برقرار کنند.

۴۹ صفحه ۱۳۹ **درک و دریافت**

۱. متن «دیدار» را از نظر زاویهٔ دید، زمان و مکان بررسی کنید.

۲. نویسنده در این متن، کدام ویژگی‌های شخصیت امام خمینی را معرفی می‌کند؟

۱. زاویهٔ دید: سوم‌شخص (دانای کل)؛ راوی از بیرون، رفتار و گفتار «طلبهٔ جوان» را روایت می‌کند و به افکار و دل‌مشغولی‌های او (مانند یاد پدر و کشمکش دربارهٔ منبر رفتن) نیز راه دارد.

زمان: شبی بسیار سرد و برفی در زمستان، در سال‌های آغاز حکومت رضاخان (حدود سال ۱۳۰۳)، «بیست‌ودو سال» پس از شهادت پدر امام؛ در ضمن، با بازگشت‌های ذهنی (یادآوری شهادت پدر) به گذشته نیز رفته می‌شود.

مکان: شهر تهران؛ طلبهٔ جوان از میدان مخبرالدوله می‌گذرد، از شاه‌آباد به کوچهٔ مسجد می‌رسد و به خانهٔ حاج‌آقا مدرس وارد می‌شود (حیاط محقر و اتاق او)؛ سپس دوباره به کوچه و پیاده‌رو بازمی‌گردد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲. شجاعت و بی‌باکی (بی‌پروا و صریح در برابر شخصیتی بزرگ‌تر سخن گفتن و بی‌ترس از رضاخان بودن)؛ صراحت و حق‌گویی همراه با ادب و تواضع (عذرخواهی و پای در نشستن)؛ هوش، تیزبینی و شناخت سیاسی (آگاهی از ریشه‌های استبداد، وابستگی رضاخان به بیگانگان و نقد شیوهٔ مبارزه)؛ پختگی و صبر (سکوت تا رسیدن به پختگی: «کلام خام بدتر از طعام خام است»)؛ ایمان و آرمان‌خواهی (آرزوی برپایی حکومتی با عطر و بوی حکومت علوی)؛ و شور و آتش درونی برای مبارزه با ظلم و بیگانه.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فارسی ۲ یازدهم - فصل هشتم

ادبیات جهان

فهرست

۵۰ صفحه ۱۴۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس هفدهم: خاموشی دریا ... ۵۱

۵۱ صفحه ۱۴۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس هفدهم: خاموشی دریا ... ۵۱

۵۲ صفحه ۱۴۵ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس هفدهم: خاموشی دریا ... ۵۲

۵۳ صفحه ۱۴۹ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس هجدهم: خوان عدل ... ۵۳

۵۴ صفحه ۱۴۹ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس هجدهم: خوان عدل ... ۵۳

۵۵ صفحه ۱۵۰ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس هجدهم: خوان عدل ... ۵۴

۵۶ صفحه ۱۵۶ · درک و دریافت — روان‌خوانی: آذرباد ۵۵

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۵۰ صفحه ۱۴۴ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. با توجه به رابطهٔ معنایی «تضمن»، جاهای خالی را پر کنید.

دریا و ..... فصل و .....

۲. نوع «واو» (عطف، ربط) را در بند سوم درس مشخص کنید.

۳. جمله‌های زیر را بخوانید:

الف) طبیعت، زیبا است.

ب) طبیعت، زیبا آفریده شده است.

حذف واژهٔ «زیبا» از کدام جمله، نظم دستوری و معنایی جمله را برهم می‌زند؟

مشاهده می‌کنید که جملهٔ «الف» پس از حذف واژهٔ «زیبا» از نظر اجزای دستوری جمله، ناقص و ناکامل می‌شود؛ چون «زیبا» مسند جمله و از اجزای اصلی آن است ولی جملهٔ «ب» پس از حذف «زیبا» همچنان کامل است؛ چون «زیبا» در این جمله، قید است و حذف آن نقصی در ساختار دستوری جمله ایجاد نمی‌کند.

اکنون، هر یک از واژه‌های زیر را در دو جمله به گونه‌ای به کار ببرید که در جملهٔ نخست، «مسند» و در جملهٔ دیگر، «قید» باشد.

خندان چگونه

1. در رابطهٔ «تضمن» معنای یک واژه، جزئی از معنای واژهٔ دیگر را در بر می‌گیرد (رابطهٔ شامل و مشمول). **دریا و ماهی** (دریا شامل ماهی است)؛ **فصل و بهار** (فصل شامل بهار است؛ می‌توان «فصل و ماه» یا «فصل و روز» نیز نوشت).
2. بند سوم درس: «ماهی در آب خاموش است **و** چارپا روی خاک هیاهو می‌کند **و** پرنده در آسمان آواز می‌خواند. آدمی، اما خاموشی دریا **و** هیاهوی خاک **و** موسیقی آسمان را در خود دارد.» «واو» در سه جملهٔ نخست، دو جملهٔ مستقل را به هم می‌پیوندد؛ بنابراین «واو ربط» است. «واو» در عبارت «خاموشی دریا و هیاهوی خاک و موسیقی آسمان»، واژه‌های هم‌نقش (مفعول) را به هم عطف کرده است؛ پس «واو عطف» است.
3. حذف «زیبا» از جملهٔ **«الف»** نظم دستوری و معنایی جمله را برهم می‌زند، زیرا «زیبا» در آن مسند و از اجزای اصلی جمله است.
4. خندان: **مسند** — کودک، خندان است. / **قید** — کودک خندان وارد کلاس شد. چگونه: **مسند** — حال تو چگونه است؟ / **قید** — چگونه این مسئله را حل کردی؟

۵۱ صفحه ۱۴۵ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. دو نمونه آرایهٔ «تشخیص» در متن درس مشخص کنید.

۲. در متن درس، «آفتاب» و «ستاره» در کدام مفاهیم استعاری به کار رفته‌اند؟

1. ۱) «چراغدان همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد» (به چراغدان صفت انسانی صبر و ایستادن داده شده است). ۲) «ممکن از ناممکن می‌پرسد: خانه‌ات کجاست؟ / پاسخ می‌آید...» (ممکن و ناممکن مانند انسان پرسش و پاسخ می‌کنند). نمونهٔ دیگر: «ماهی... خاموش است» و «دریا خاموشی دارد» که ویژگی‌های انسانی را به طبیعت نسبت می‌دهد.
2. «آفتاب» استعاره از نعمت‌ها، شادی‌ها و دستاوردهای بزرگ و درخشان زندگی (یا انسان‌های بزرگ و آشکار) و «ستاره» استعاره از نعمت‌ها و شادی‌های کوچک‌تر و امیدهای دیگر است. معنی سخن: اگر به خاطر از دست دادن یک نعمت بزرگ اشک بریزی و خود را درگیر ناامیدی کنی، از دیدن نعمت‌های کوچک‌تر و امیدهای دیگر نیز بازمی‌مانی.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۵۲ صفحه ۱۴۵ | کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. در بند نخست این سروده، منظور شاعر از «چراغدان» چه کسانی است؟

۲. در بند سوم، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

۳. دربارهٔ ارتباط معنایی عبارت زیر، با متن درس توضیح دهید.

از آسمان تاج بارد، بر سر آن کس که سر فرو آرد. (خواجه عبدالله انصاری)

۴. با توجه به بند پایانی، ویژگی مهم انسان توانمند چیست؟

1. «چراغدان» نمادی از انسان‌های فروتن، گمنام و صبوری است که بی‌هیچ چشمداشتی در سایه می‌مانند و زمینهٔ روشنی و رشد دیگران را فراهم می‌کنند؛ مانند معلمان، پدر و مادر و همهٔ کسانی که بی‌ادعا در پیشرفت دیگران نقش دارند. شاعر می‌گوید افزون بر قدردانی از «شعله» (کسانی که دیده می‌شوند و می‌درخشند)، باید از آنان نیز سپاسگزار بود.
2. در بند سوم بر عظمت و ارزش وجود انسان تأکید شده است: آدمی همهٔ ویژگی‌های موجودات دیگر (آرامش و خاموشی دریا، هیاهوی خاک و آواز آسمان) را یکجا در خود دارد و جامع همهٔ کمالات هستی است.
3. بند چهارم متن («هنگامی که در فروتنی بزرگ باشیم، بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم») با سخن خواجه عبدالله انصاری هم‌معناست: هر که فروتن باشد و سر تسلیم و تواضع فرود آورد، نزد خداوند بزرگ می‌شود و به او نزدیک‌تر است (تاج بارش از آسمان = لطف و بزرگی خداوند). در هر دو، فروتنی مایهٔ بزرگی و تقرب است.
4. ویژگی مهم انسان توانمند «فروتنی» است؛ انسان بزرگ و توانا هرچه بزرگ‌تر می‌شود فروتن‌تر است و همین فروتنی او را به بزرگی مطلق (خداوند) نزدیک می‌کند.

پرسش پنجم کتاب نقطه‌چین است و پاسخی ندارد.

۵۳ صفحه ۱۴۹ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. کاربرد معنایی واژهٔ «دم» را در متن درس بررسی کنید.

۲. در هر یک از گروه‌های اسمی زیر، هسته و وابسته‌های آن را مشخص کنید.

همین نام اسمای صدگانه‌اش

۳. بن ماضی و بن مضارع «رَستن» را بنویسید.

۴. برای هر یک از فعل‌های زیر، نمونه‌ای از متن درس بیابید.

مضارع اخباری (.....)

ماضی نقلی (.....)

مضارع التزامی (.....)

1. واژهٔ «دم» در متن دو کاربرد دارد: در «هر دم فرو دادن و برآمدنش» به معنای «نَفَس» (دم و بازدم) و در «روح هر دم به تلاش است» به معنای «لحظه، هر لحظه و همیشه» (زمان) به کار رفته است.
2. «همین نام»: هسته: نام؛ وابستهٔ پیشین: «همین» (صفت اشاره). «اسمای صدگانه‌اش»: هسته: اسمای؛ وابسته‌های پسین: «صدگانه» (صفت شمارشی) و «ـش» (مضاف‌الیه، ضمیر متصل).
3. «رَستن» (به معنای نجات یافتن و رهیدن): بن ماضی: **رَست**؛ بن مضارع: **رَه** (می‌رهد).
4. **مضارع اخباری:** «است» (اوست که عادل مطلق **است**)؛ نمونهٔ دیگر: «نیست» (بهره‌ای والاتر از بهر من **نیست**). **ماضی نقلی:** «نهاده [است]» (او اختران را در آسمان **نهاده**)؛ نمونهٔ دیگر: «در هم تنیده است». **مضارع التزامی:** «بمانم» (بگذار... معتبر **بمانم**)؛ نمونه‌های دیگر: «بستاییم»، «نبینم»، «بروم».

۵۴ صفحه ۱۴۹ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. کدام بند از این سروده، بیانگر تأثیرپذیری «گوته» از گلستان سعدی است؟ دلیل خود را بنویسید.

۲. با توجه به متن درس، جدول زیر را کامل کنید.

جدول با سه ستون «مفهوم»، «نمونه»، «آرایهٔ ادبی». ردیف نخست: آرایه «مجاز» (مفهوم و نمونه خالی). ردیف دوم: آرایه «کنایه» (مفهوم و نمونه خالی).

1. بند چهارم («هر نفسی را دو نعمت است: / هر دم فرو دادن و برآمدنش...»). دلیل: سعدی در دیباچهٔ گلستان نوشته است: «هر نفسی که فرو می‌رود، ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» گوته همین مضمون (دو نعمت بودن دم و بازدم و لزوم شکرگزاری) را در این بند آورده و حتی واژه‌های «ممد حیات» و «مفرح ذات» را به کار برده است.

2. ○ جدول تکمیل‌شده:

آرایهٔ ادبی	نمونه	مفهوم
مجاز	شرق و غرب (شرق از آن خداست، غرب از آن خداست)	تمام جهان و همهٔ سرزمین‌ها (جزء به جای کل)
کنایه	خوان عدل را بر همگان گستردن	عدالت و بخشش همگانی خداوند؛ همه از نعمت و عدل او بهره‌مندند

نمونه‌های دیگر: مجاز: «دستان» در «آسوده در دستان خداست» (مجاز از قدرت و اختیار)؛ کنایه: «سرخوش و سرمست» یا «در دستان خدا آسوده بودن» (کنایه از در امان و حمایت او بودن).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۵۵ صفحه ۱۵۰ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱. بند نخست درس، یادآور کدام صفات خداوند است؟

۲. گوته، شیفته و دلبستهٔ شعر و اندیشهٔ حافظ بود؛ او متن زیر را نیز به تأثیرپذیری از حافظ سروده است:

«مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان با صدای دلکش، بیتی چند از غزل‌های شورانگیز تو را می‌خواند تا اختران آسمان را بیدار کند و رهزنان کوه و دشت را بترساند؟»

الف) کدام قسمت از متن درس با سرودهٔ بالا ارتباط معنایی دارد؟

ب) بیتی از حافظ بیابید که با سرودهٔ بالا مناسبت داشته باشد؟

۳. این بخش از سرودهٔ گوته، بیانگر چه دیدگاهی است؟

و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت رستن از رنج.

۴. کدام بخش از سرودهٔ گوته، با متن زیر هم‌نواست؟

در کویر، بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده، دیگر هیچ نیست. صحرای بیکرانهٔ عدم است ... راه، تنها به سوی آسمان باز است. آسمان، کشور سبز آرزوها، چشمهٔ موّاج و زلال نوازش‌ها، امیدها و ... (علی شریعتی)

1. ○ بند نخست (شرق و غرب و شمال و جنوب از آنِ خداست و همه در دستان او آسوده‌اند) یادآور صفات «مالک مطلق، قادر و توانا، حاکم و فرمانروای جهان، نگهبان و پناه‌دهندهٔ آفریدگان» است. (بند دوم نیز صفت «عادل» را یادآور می‌شود.)

2. ○ الف) بند «بگذار که سرخوش و سرمست به دوردست‌ها روم / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم» و بند پایانی دربارهٔ اختران آسمان، زیرا در آن‌ها شب، سرمستی و اختران آسمان آمده است. ب) «غزل گفتی و دُر سفتی بیا و خوش بخوان حافظ / که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را» (آسمان و اختران شیفتهٔ غزل حافظ‌اند).

3. ○ این بخش بیانگر دیدگاهی خوش‌بینانه و شاکرانه به زندگی است: زندگی از رنج و آسایش درهم‌تنیده است و انسان باید هم در سختی و هم به هنگام رهایی از آن، خدا را سپاس بگوید و در همهٔ حال نعمت‌های او را ببیند.

4. ○ بند پایانی («او اختران را در آسمان نهاده / ... تا نگه به فرازها دوزیم»)؛ چون در هر دو، نگاه انسان به آسمان و بلندی‌ها دوخته شده و آسمان، راه رهایی و نشان امید است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

پرسش پنجم کتاب نقطه‌چین است و پاسخی ندارد.

---

۵۶ صفحه ۱۵۶ **درک و دریافت**

۱. این متن داستانی را از نظر زاویهٔ دید بررسی کنید.

۲. کدام خصلت‌های درونی، عامل مهم در رشد و پیشرفت آذرباد بود؟

1. ○ زاویهٔ دید داستان «سوم شخص» (دانای کل) است؛ راوی بیرون از ماجراست و با ضمیر «او» و نام شخصیت‌ها (آذرباد، رزمیار، برناک) داستان را روایت می‌کند و از درون و افکار آذرباد نیز آگاه است؛ مثلاً می‌داند «با خود می‌اندیشید...» یا «از اینکه پیمان خود را شکسته بود، احساس...» داشت.

2. ○ کنجکاوی و عشق به آموختن و پرواز، پشتکار و تمرین مداوم، شجاعت و جسارت در پذیرفتن تنهایی و طردشدن، استقلال فکری و نپذیرفتن زندگی یکنواخت و تقلیدی، هدفمندی و باور به توانایی‌های خود، و نیز مهربانی و بخشندگی (او با همهٔ آزار دیگران، آنان را دوست می‌داشت و می‌خواست به دیگران بیاموزد).

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

توشه ای برای موفقیت